

باهوشی مین در تاریخ

ترجمه: ج. نوائی



انتشارات نگاه

با هوچی مین در تاریخ

ترجمه ج . نوائی

چاپ اول ۵۸

حق چاپ محفوظ

یادآوری

چند گفتار و نوشته‌یی که درین دفتر گرد آمده، به حکم ضرورت همه از گزیده آثار هوچی مین انتخاب شده و پیش از این، - جز مقاله در اخلاق انقلابی، که ترجمه نارسا و حذف شده‌یی داشت - در جایی چاپ نشده است. امید، این قلم، یا رفقای بلند همت دست به قلم، بتوانیم یکجا گزیده آثار این بزرگ مرد تاریخ را هر چه زودتر در اختیار خواننده قرار دهیم.

فهرست

- | | |
|----|---|
| ۵ | اعلامیه استقلال جمهوری دموکراتیک ویتنام |
| ۱۱ | گزارش دربارهٔ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی |
| ۳۸ | مشی حزب در دورهٔ جبههٔ دموکراتیک |
| ۴۱ | نامه‌یی از خارج |
| ۴۵ | در اخلاق انقلابی |
| ۶۳ | وصیت‌نامهٔ هو چی مین |

اعلامیه استقلال جمهوری دموکراتیک ویتنام

« تمام انسان‌ها برابر خلق می‌شوند ، آنان توسط خالق خود دارای حقوق انکارناپذیر معینی هستند؛ از جمله آنها حق زندگی، حق آزادی و حق خواست سعادت . »

این عبارت جاوید در اعلامیه استقلال ایالات متحد آمریکا در سال

* این اعلامیه در ۳ سپتامبر، سال ۱۹۴۵ توسط هوچی‌مین در میتینگ نیم میلیون تنی در میدان پای‌ینده (هانوی) قرائت شد .

۱۷۷۶ نشریافت. (۱) در مفهومی وسیع تر، معنی این عبارت این است: تمام خلق‌های روی زمین از لحظه تولد برابرند، تمام خلق‌ها حق زندگی و حق سعادت‌مند شدن و آزاد بودن را دارند.

اعلامیه حقوق بشر و شهروندان، که در زمان انقلاب فرانسه تدوین شد نیز بیان می‌کند: «تمام انسان‌ها آزاد و با حقوق برابرزاده می‌شوند و باید همیشه آزاد زندگی کنند و حقوق متساوی داشته باشند.» این سخنان حقایق انکارناپذیرند.

معهدا، بیش از هشتاد سال است که امپریالیست‌های فرانسوی با تخطی از معیار آزادی، برابری و برادری، به حریم میهن ما تجاوز کرده‌اند و بر هم میهنان ما ستم روا داشته‌اند. اینان برخلاف آرمان‌های بشریت و عدالت عمل کرده‌اند.

اینان از لحاظ سیاسی، خلق ما را از هر گونه آزادی دموکراتیک محروم کرده‌اند. اینان قوانین غیر انسانی را تحمیل کرده‌اند، و سه‌رژیم سیاسی مختلف را در شمال، مرکز و جنوب ویتنام مستقر ساخته‌اند تا یک پارچگی میهن ما را مخدوش کنند و از متحد بودن خلق ما جلو گیرند.

اینان بیش از مدارس، زندان بنا کرده‌اند. بی رحمانه میهن-پرستان ما را قتل‌عام نموده‌اند و طغیان‌های ما را در دریا‌هایی از خون

۱ - ازبازی‌های روزگار چندین سال بود همین ایالات متحد آمریکا با زیر پای نهادن مواد قانون اساسی خود، حق زندگی و آزادی و خواست سعادت خلق قهرمان ویتنام را به بهانه ابلهانه مبارزه با کمونیسم پایمال می‌کند و به جای فرانسه میراث‌خوار استعمار می‌شود و آن جنایات‌ها و خیانت‌ها را، تحت نام دهن‌پرکن «دفاع از جهان آزاد» نسبت به بشریت مرتکب شده و می‌شود.

مترجم

فرق کرده‌اند .

اینان عقیدهٔ عمومی را به‌زنجیر کشیده‌اند و تاریک اندیشی را حقه کرده‌اند .

اینان نژاد ما را با تریاک و الکل دچار ضعف و فتوری نموده‌اند .
در زمینهٔ اقتصادیات خون ما را مکیده‌اند و خلق ما را به‌بینوایی
کشانده‌اند و سرزمین ما را با پروسترون کرده‌اند .

اینان شالیزارها، معادن، جنگل‌ها و منابع طبیعی ما را غارت
کرده‌اند. اینان نشر اسکناس و صادرات و واردات ما را انحصاری نموده‌اند.
اینان انبوه مالیات‌های بناحق جعل کرده‌اند و خلق ما خاصه
طبقهٔ دهقان ما را به‌تنگدستی امان‌ناپذیری در غلتانده‌اند .

اینان رونق گرفتن بورژوازی ملی را غیر ممکن کرده‌اند ؛ و
بی‌رحمانه از کارگران ما بهره کشیده‌اند .

در پائیز سال ۱۹۴۰، وقتی که فاشیست‌های ژاپنی به هندوچین
تاخت آوردند تا پایگاه‌های تازه‌پی‌علیه متفقین برپا دارند، استعمار-
گران فرانسوی چاکرمنشانه زانو زدند و دروازه‌های میهن ما را برای
استقبال از ژاپنی‌ها گشودند .

برین سیاق، از آن زمان، خلق ما در سیطرهٔ یوغ دو گانه فرانسوی‌ها
و ژاپنی‌ها قرار گرفت و بر آلام و سیه‌روزی‌هایش افزوده شد . نتیجه
این بود که در پایان سال پیش و آغاز سال جاری، از استان کوانتنگ تری
تا شمال بیش از دو میلیون تن از هم‌میهنان ما در اثر گرسنگی جان باختند.
در نهم ماه مارس امسال، سربازان فرانسوی توسط ژاپنی‌ها خلع
سلاح شدند . استعمارگران فرانسوی یا فلنگک را بستند یا تسلیم شدند
و نشان دادند که نه تنها لیاقت « حمایت » از ما را نداشتند، بلکه، دردوره‌یی

پنج ساله، دوبار میهن ما را به ژاپنی‌ها فروختند .

پیش از نهم ماه مارس، چندبار ویت مینه (۱) از فرانسویان به اصرار خواست که با آنان علیه ژاپنی‌ها متحد شوند ! لکن استعمارگران فرانسوی، به جای موافقت با این پیشنهاد، تنها فعالیت‌های تروریستی خود را علیه رزمندگان ویت مینه تشدید کردند . فرانسویان بعد از شکستشان و پیش از آن که فرار کنند، زندانیان سیاسی محبوس درین بای و کائو بانگ را قتل عام کردند .

بررغم تمام اینها، هم میهنان ما نظری مدارا جویانه و شفقت آمیز نسبت به فرانسویان داشتند . بعد از شورش نهم ماه مارس ۱۹۴۵ ژاپنی‌ها، ویت مینه به بسا از فرانسویان کومک کرد تا از مرز عبور کنند و دیگران را از زندان‌های ژاپنی‌ها نجات داد و از جان و مال فرانسوی حراست کرد . در واقع، از پائیز سال ۱۹۴۰ میهن ما از مستعمره فرانسه بودن باز ایستاده بود و ملک طلق ژاپنی‌ها شده بود .

هنگامی که ژاپنی‌ها به متفقین تسلیم شدند، تمام خلق ماقامت برافراشت تا قدرت را کسب نماید و جمهوری دموکراتیک ویتنام را بنیان کند .

حقیقت این است که ما استقلال مان را از ژاپنی‌ها به قهر کسب کرده ایم نه از فرانسویان .

فرانسویان فرار کرده اند، ژاپنی‌ها پیمان تسلیم بسته اند و امپراتور بائودای استعفاء کرده است . خلق ما زنجیرهایی را که نزدیک

۱ - ویت مینه، رزمندگان میهن پرست دوره استیلای فرانسه در ویتنام بودند که مردانه علیه نیروهای امپریالیستی جنگیدند و حماسه آفرین دژ دین بین فو بودند . مترجم

به يك قرن برپیکرش حلقه شده بود پاره کرده و استقلال را برای ویتنام کسب نموده است . در عین حال رژیم سلطنتی چندین قرنی را سرنگون کرده و رژیم جمهوری دموکراتیک را برپا داشته است .

ما، دولت موقت ویتنام نوین، که نماینده تمام مردم ویتنام هستیم، بدین وسیله اعلام می کنیم که از هم اکنون به بعد تمام روابط ویژه مستعمراتی با فرانسه را قطع می کنیم؛ و تمام پیمان‌هایی را که توسط فرانسه در مورد ویتنام امضاء شده باطل می نماییم و تمام امتیازات مقرر توسط فرانسه را در میهن مان ملغی می کنیم .

تمام خلق ویتنام در تصمیم به مخالفت با تمام تمهیدات تبه کارانه توسط استعمارگران فرانسوی یک دل و یک زبان است .

ما بر آنیم که متفقین ، که در کنفرانس های تهران و سن فرن سیکو اصول تساوی در میان ملل را تأیید کردند، نمی توانند شناسایی حق خلق ویتنام را برای استقلال نادیده بگیرند .

کنفرانس تهران : کنفرانسی بود که از نمایندگان شوروی، امریکا و انگلیس در تهران، پایتخت ایران، از ۲۸ نوامبر تا ۱ دسامبر سال ۱۹۴۳ برگزار شد . این کنفرانس برنامه‌یی برای سرکوب نیروهای مسلح نازی و قطعه‌نامه‌یی برای گشودن جبهه‌یی دوم در اروپا قبل از ۱ مه سال ۱۹۴۴ و قطعه‌نامه‌ی دیگری را برای صلح پایدار در جهان پس از جنگ و لاغیر تصویب کرد . مع هذا محافل حاکمه در آمریکا و انگلیس به جای آن که این اصول را به موقع اجرا در آورند، از مسئولیت‌های خود شانه خالی کردند .

کنفرانس سن فرن سیکو : ۵۰ کشور از ۲۵ آوریل تا ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۵، به دعوت اتحاد شوروی، امریکا، بریتانیا و چین چنانکه کای شیک در سن فرن سیکو انجمن کردند . این کنفرانس سازمان ملل متحد را برپا داشت . (از بخش یادداشت‌ها)

خلفی که بیش از هشتاد سال دلیرانه با اسارت‌سازی فرانسه مبارزه کرده است، مردمی که درین سال‌های اخیر قاطعانه جانب متفقین را در نبرد علیه فاشیست‌ها گرفته است، چنین خلقی باید آزاد باشد و چنین مردمی باید مستقل باشند .

بنا بر این حال، ما، دولت موقت جمهوری دموکراتیک ویتنام رسماً این اعلامیه را به آگاهی جهانیان می‌رسانیم :

ویتنام حق بر خورده‌اری از استقلال و آزادی را دارد و در واقع کشوری آزاد و مستقل شده است، تمام خلق ویتنام مصمم است تمام توانایی جسمی و فکری خود را بسیج کند و جان و مال خویش را نثار نماید تا از آزادی و استقلال خود حراست کند .

گزارش دربارهٔ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی

اعضای پرزیدیم،

نمایندگان،

مجمع ملی، در ششمین جلسهٔ خود بر آن شد قانون اساسی سال
۱۹۴۶ را اصلاح کند و کمیته‌یی را برپا کرد با این اختیار که پیش‌نویس

* این گزارش توسط هوچی‌مین به نخستین مجمع ملی، در یازدهمین
جلسهٔ آن (۱۸ دسامبر، ۱۹۵۹) آرایه شد.

اصلاحی قانون اساسی را تهیه کند و آنرا برای تصویب مجمع تقدیم نماید. (۱)

تدوین پیش نویس اصلاحی قانون اساسی پروسه دراز مدتی از مقدمات و مطالعات دقیق بوده است. در پی تکمیل نخستین پیش نویس در ژوئیه سال ۱۹۵۸، ما آنرا برای بحث و نظر توسط کادرهای عالی و متوسط مقام در ارتش، سازمان‌های توده‌یی، ادارات دولتی و دفاتر حزب تقدیم کردیم. آن‌گاه پیش نویس اصلاح شد و در اول آوریل ۱۹۵۹ به نظر عموم مردم رسید تا در مورد آن بحث کنند و پیشنهاد سازنده خود را ارائه دهند. این بحث و نظرها چهار ماه متوالی بدرازا انجامید. در

۱ - این مطلب از آن جهت از میان مطالب بی‌شمار گزیده آثار هوچی‌مین برگزیده شد که تب تدوین قانون اساسی ایران سخت بالا گرفت و ماجراها آفرید و تهدیدها صورت گرفت و نهادهای دموکراتیک متزلزل شد و البته این همه قابل پیش بینی بود و جز این هم توقمی نمی‌رفت! مترجم در همان اوان پیش از انتخابات مجلس خبرگان، مقاله مفصلی در بررسی پیش نویس قانون اساسی نکاشت و از چهار دیدگاه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی پیش نویس کذا را بررسی کرد و برای یکی از روزنامه‌های توقیفی صبح تهران فرستاد که متأسفانه چاپ نشد. از سوی دیگر بر آن بود در زیر نویس‌های این ترجمه‌جای‌جای به اصول پیش نویس قانون اساسی خودمان اشاراتی بکنند تا سره‌ها از ناسره‌ها مشخص شود لکن، از آنجا که به احتمال قوی در پیش نویس کنونی نیز امل‌هایی تغییر فاحش خواهد کرد، لذا نقد و بررسی آنرا، به وقتی دیگر حواله می‌دهد تا مسایل عمده‌تر آشکار شود. در هر حال، خواننده، جای‌جای در همین مقاله ترجمه شده می‌تواند شق بالنده را تشخیص دهد، امید، فعلاً این مقاله بتواند روشنگر باشد. مترجم

همه جا، در ادارات دولتی، کارخانه‌ها، مدارس و دیگر سازمان‌های عمومی در شهر و روستا، مطالعه و بحث و نظر در باب پیش‌نویس قانون اساسی در محیطی آکنده از شور و حرارت پیش رفت و جنبش توده‌یی گسترده‌یی با شرکت تمام بخش‌های مردم شد. در مطبوعات نیز مباحثات روشن و برآور بود. کمیته مسئول اصلاح قانون اساسی نامه‌های بسیاری حاوی نظرات افراد و گروه‌ها، از جمله نامه‌هایی از هم‌میهنان عزیزمان در جنوب و ملیت‌های ویتنامی ساکن خارج دریافت کرد.

دیدگاه‌های پیشنهادی خلق به‌دقت مطالعه گردیده است و به وسیله کمیته مسئول اصلاح قانون اساسی به محک مناظره سنجیده شده است و بر این اساس، ما از نو پیش‌نویس را اصلاح کرده‌ایم. من از جانب کمیته مسئول اصلاح قانون اساسی، این گزارش را درباره پیش‌نویس قانون اساسی به مجمع ملی تقدیم می‌کنم.

۱

مفاد مهم اصلاحیه قانون اساسی

ویتنام، سرزمین اجدادی ما، در درازای هزاران سال کار پر تلاش و مبارزه قهرمانانه خلق ما بنا شده است. در اواسط سده نوزدهم، امپریالیست‌های فرانسوی تهاجم به میهن ما را آغاز نهادند. سلاطین و مقامات عالی‌جاه لشگری و کشوری فتودال به متجاوزین تسلیم شدند و میهن ما را به امپریالیست‌های فرانسوی فروختند.

نزدیک به یک قرن امپریالیست‌های مذکور با طبقه فئودال داخلی ساخت و پاخت کردند تا بر میهن ما در مداری سخت بی‌رحمانه فرمانروایی کنند. از همان آغاز، خلق ما به پاخت و با امپریالیست‌های فرانسوی پیکار کرد تا استقلال ملی خود را کسب کند. جنبش‌های بخش ملی به‌یمن روح مبارزه از خود گذشته خلق بی‌وقفه بسط و گسترش یافت. با این‌همه، بعد از نزدیک به نیم قرن مبارزه، سلطه امپریالیستی و فئودالی هنوز سرنگون نشده و میهن ما هنوز مستقل نگردیده بود.

در همان زمان بود که انقلاب اکتبر شوروی در گرفت و پیروزی افتخار آفرینی کسب کرد. اتحاد شوروی سوسیالیستی بنیان یافت. نظام استعماری امپریالیسم فروریختن آغاز کرد. اتحاد شوروی برای خلق‌های تحت ستم‌الگوی از مناسبات برابر ملل را پدید آورد.

خلق‌های تحت ستم جهان دیدند که تنها به اتکای انقلاب سوسیالیستی و متابعت از مشی طبقه کارگر، سرنگون کردن امپریالیست‌ها و کسب استقلال ملی تمام عیار و تحقق تساوی راستین میان ملل امکان‌پذیر می‌شود. انقلاب اکتبر شوروی جنبش انقلابی سوسیالیستی و جنبش انقلابی برای رهایی ملی را درون یک جبهه ضد امپریالیستی یک‌پارچه کرد.

درویتنام، در پی جنگ جهانگیر اول، بورژوازی ملی و خرده بورژوازی قادر نبودند جنبش‌های بخش ملی را به سوی پیروزی رهبری کنند. طبقه کارگر ویتنام در پرتو انقلاب اکتبر، مسیر انقلاب ویتنام را طراحی کرد. در سال ۱۹۳۰، حزب کمونیست هندوچین یعنی حزب سیاسی طبقه کارگر، بنیان یافت و نشان داد که انقلاب ویتنام باید از طریق دو مرحله پیش رود: انقلاب دموکراتیک ملی و انقلاب سوسیالیستی. برای نخستین بار، انقلاب ویتنام برنامه سیاسی جامعی تدارک دید که

به وسیلهٔ حزب طبقهٔ کارگر جز به جز طرح شد. و از آن پس، انقلاب تحت رهبری يك پارچهٔ طبقهٔ کارگر و حزب سیاسی آن به شتاب و استواری تکامل یافت.

شوراهای فکری تینه در سال ۱۹۳۰ و جنبش اقدام دموکراتیک، نیروی جنبش زایی به انقلاب ویتنام دمید و پیوندهای میان طبقهٔ کارگر و حزب آنرا از يك سوی و دهقانان و دیگر بخش‌های مردم را از سوی دیگر بیش از پیش تحکیم کرد.

در سال ۱۹۳۹، جنگ جهانی دوم در گرفت. امپریالیست‌های فرانسوی و میلیتاریست‌های (نظامی‌گرایان) ژاپنی محرم راز یکدیگر شدند تا بر میهن ما فرمانروایی کنند. خلق ما، تحت رهبری حزب برای پیکار با امپریالیست‌های تجاوزکار به قهرمانانه‌ترین شیوه به پاخواست. طغیان‌های باکسون و نام‌کی پیشاهنگان جنبش انقلابی فراگیرنده بی بودند. در سال ۱۹۴۱، حزب، ویت مینه را با وظیفه «تاراندن ژاپنی‌ها و فرانسویان، مستقل ساختن میهن و بنای جمهوری دموکراتیک ویتنام» ایجاد کرد.

در سال ۱۹۴۵، اتحاد شوروی و نیروهای دموکراتیک جهان، فاشیست‌ها را هزیمت دادند و جنگ جهانی دوم پایان یافت. حزب با بهره‌جویی از این فرصت، انقلاب اوت را به پیروزی رهنمون شد. یوغ امپریالیستی و فئودالی به زباله‌دان انداخته شد. حاکمیت خلق در سرتاسر کشور برقرار شد. در ۲ سپتامبر سال ۱۹۴۵، جمهوری دموکراتیک ویتنام بنیان یافت. استقلال میهن ما رسماً به خلق‌های جهان اعلام شد. پس از نزدیک به يك قرن بردگی و اسارت، میهن اجدادی ما آزاد شد و

* در دوران فرانسویان کوچین‌چینا نام داشت (ویراستار).

خلقمان رهایی یافت . و بدین سان، فصل بس افتخار آفرینی در تاریخ
ملت ما آغاز شد .

پس از انقلاب ظفر نمون اوت، خلق ما بر آن شد کشور را بنا کند و
بدین سان ثمرات انقلاب را گسترش دهد و آن را یک پارچه کند. در عژانویه
سال ۱۹۴۶، در انتخابات عمومی سرتاسری آزاد، خلق ما بر گزاری نخستین
مجمع ملی ما را تصویب کرد .

در سر آغاز قانون اساسی سال ۱۹۴۶ چنین آمده است :

وظیفه خلق ما درین مرحله حفظ تمامیت ارضی، کسب استقلال
کامل و بنای میهن بر اساسی دموکراتیک می باشد . قانون اساسی ویتنام
باید دست آوردهای افتخار آفرین انقلاب را ثبت کند و باید بر اصول
وحدت تمام خلق استوار شود، این قانون باید آزادی های دموکراتیک
را تضمین کند و حاکمیت قدرتمند خلق را برقرار سازد .

رژیمی که به وسیله قانون اساسی سال ۱۹۴۶ برقرار شد استقلال
ملی و دموکراسی همه جانبه برای خلق را تضمین کرد . حاکمیت خلق
بی درنگ پس از استقرارش، قانون کار، کاهش اجاره زمین، مصادره زمین
های متعلق به استعمارگران فرانسوی و خائنان ویتنامی و تقسیم آنها را
به طبقه دهقان به آگاهی عموم رساند . حق رأی دادن مردم و نامزدی در
انتخابات و شرکت در امور دولتی تضمین شد و آزادی های دموکراتیک
به موقع اجرا درآمد . این رژیم دموکراسی نوین بود .

با این حال، امپریالیست‌های فرانسوی در اقدامی به منظور تسخیر مجدد میهن ما جنگ را دامن زدند. خلق ما، که از نزدیک پیرامون حزب و حکومت متحد شده بود، جنگ مقاومت دراز آهنگ و سخنی را پی گرفت و توطئه‌های اسارت‌بار امپریالیست‌ها و خائنان، یعنی نوکران، آنان را درهم فرو ریخت. در سال ۱۹۵۳، در حالی که خلق ما نبرد مقاومت را پی گرفته بود، مجمع ملی، قانون مربوط به اصلاحات ارضی را در اجرای اصول «زمین برای همه زارعین» تصویب کرد.

پیروزی دین بین فو و موفقیت کنفرانس ژنو بر مقاومت بس قهرمانانه خلق ما نقطه پایان افتخار آفرینی نهاد، و شمال ویتنام سر به سر آزاد شد.

برای نخستین بار در تاریخ، ملتی تحت ستم، تجاوز بزرگ قدرت نیرومند امپریالیستی را بلا اثر کرد و استقلال ملی را کسب نمود و به کشاورزان زمین و به خلق حقوق دموکراسی راستینی را ارزانی داشت. این پیروزی در نتیجه میهن دوستی پر شور و مبارزه دلاورانه ارتش و خلق ما و وحدت یک پارچه تمام مردم در درون جبهه متحد ملی و اتساع حاکمیت خلق ما بر اتحاد کارگر-دهقان که توسط طبقه کارگر و حزب رهبری می‌شد و حمایت کشورهای برادر دو گاه سوسیالیست و نیروهای صلح و دموکراسی در سرتاسر جهان حاصل آمد.

پیروزی انقلاب اوت و جنگ کبیر مقاومت اثبات می‌کند که حتی ملتی کوچک و ضعیف به تأکید مسلم می‌تواند تجاوز کاران امپریالیست را شکست دهد، اگر از نزدیک تحت رهبری طبقه کارگر و حزب آن متحد شود و به درستی از مشی مارکسیست-لنینیستی پیروی کند.

در پی پیروزی نبرد مقاومت و استقرار صلح، انقلاب ویتنام به مرحله نوینی گام نهاد، ویتنام شمالی در لوای رژیم دموکراتیک توده‌یی، سر به سر آزاد شد و به دوره انتقالی سوسیالیسم قدم گذاشت. لکن جنوب ویتنام هنوز زیر یوغ امپریالیستی و فئودالی قرار دارد و خلق ما باید انقلاب دموکراتیک ملی را در شرایط نوین میهن خود ادامه دهد.

در ویتنام شمالی، در پی رهایی کامل، در تمام زمینه‌ها پیشرفت سریع صورت گرفته است.

طی سه سال از سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۸، ما از زخم‌های ناشی از جنگ التیام یافتیم و اقتصاد خود را از نوجوان بخشیدیم.

در چهاردهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کارگران ویتنام گفته شد که «نیروهای سوسیالیستی در ویتنام شمالی هم‌اکنون به طور قطع قوی‌تر از نیروهای سرمایه‌داری شده‌اند.

در زمینه اقتصادی و فرهنگی ما به ترقی عظیمی نایل آمده‌ایم. بر وجه مثال:

از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۹، در کشاورزی، محصول برنج از ۳/۶ میلیون تن به ۵/۲ میلیون تن افزایش یافت. در صنایع که کارتنها با ۱۷ کارخانه در سال ۱۹۵۵ شروع شد در ۱۹۵۹ به ۱۰۷ کارخانه دولتی رسید.

کوپراتیوهای کشاورزی از سطح نازل قبلی، اکنون ۴۳/۹ درصد خانواده‌های روستایی را در بر می‌گیرد و اکثر باقی ماندگان به تیم‌های مبادله کار پیوسته‌اند.

۵۳ درصد از پیشه‌وران به سازمان‌های کوپراتیوی ملحق شده‌اند. در زمینه فرهنگی، ما اساساً بی‌سوادی را ریشه کن کرده‌ایم. در

مقایسه با سال ۱۹۵۵، شمار دانش آموزان در دانشگاه‌های عمومی به دو برابر در دبیرستان‌های حرفه‌یی به شش برابر و در کالج‌ها و دانشگاه‌ها به هفت برابر افزایش یافته است. شمار پزشکان ۸۰ درصد افزایش یافته است و غیره.

ما به سوی اقتصادی سوسیالیستی پیش می‌رویم، همپای این پیروزی‌ها روابط طبقاتی در شمال ویتنام دگرگونی یافته است. طبقه مالکین فئودال سرنگون شده است. طبقه کارگر روز به روز رشد می‌یابد و اعمال رهبریش را بردولت تقویت می‌کند.

طبقه کارگر راه کوپراتیو را پیش گرفته است. اتحاد کارگر-دهقان بیش از پیش استحکام می‌یابد. روشنفکران نقش فعالی در ساختمان ملی بازی می‌کنند. بورژوازی ملی، بر روی هم تحول سوسیالیستی را می‌پذیرد. بخش‌های مختلف مردم ما بیش از پیش از نزدیک در درون جبهه متحد ملی متحد می‌شوند. در مقایسه با سال ۱۹۴۶، یعنی وقتی که نخستین قانون اساسی میهن ما تصویب شد، وضع در ویتنام کنونی تغییرات بس مهم و دلخواهی یافته است.

در حالی که شمال به سوی سوسیالیسم کوس بسته است، در جنوب امپریالیست‌های ایالات متحد و با با شمل‌های آنان موافقت‌نامه‌های ژنو را زیر پا نهاده‌اند و از برگزاری کنفرانس مشورتی در باره انتخابات عمومی برای یک پارچگی میهن سر باز زده‌اند. اینان سیاستی بس بی‌رحمانه و استبدادی را تحمیل می‌کنند، اموال خلق را غارت می‌کنند و آنان را به سبانه‌ترین شکل سرکوب می‌نمایند و تحت پی‌گرد و ایداء قرار می‌دهند. اینان طالب آنند که انشقاق میهن ما را دایمی کنند و جنوب را به مستعمره و پایگاه نظامی امپریالیست‌های ینگه دنیا تبدیل کنند، با این

نظر که جنگ تازه‌یی در هندوچین راه بیندازند .

لکن هم‌میهنان ما در جنوب قهرمانی‌های عظیمی نشان داده‌اند و مبارزه در آن خطه ادامه و توسعه یافته است . آنان بهبود شرایط زندگی، توسعه اقتصاد ملی، آزادی‌های دموکراتیک، صلح و تجدید وحدت ملی را خواستارند؛ با ستم، بهره‌کشی و «کومک» امریکا، ترور و کشتار عام، افزایش نفرات نظامی و تدارکات جنگی مخالفت می‌ورزند .

پیشرفت ویتنام شمالی به سوی سوسیالیسم به‌طور بس مؤثری جنبش میهن‌دوستی در جنوب ویتنام را ملهم می‌سازد . اذهان هم‌میهنان جنوبی ما پیوسته به شمال و حکومت ما معطوف می‌شود و اعتمادشان در تجدید وحدت ملی به‌طور گسترده‌یی تقویت می‌گردد .

دریک کلام، انقلاب ویتنام به مرحله نوبنی گام نهاده است . ما وظایف تازه‌یی داریم که باید آنها را تحقق بخشیم . شرایط در داخل و در بهنه جهان دلخواه است .

قانون اساسی سال ۱۹۴۶ - نخستین قانون اساسی دموکراتیک در میهن ما بر موقعیت و وظایف انقلابی آن دوره تأکید می‌ورزید . این قانون رسالت خود را به تمام انجام داده است . و دیگر با موقعیت تازه و وظایف نوین انقلابی سازگار نیست . از همین روی ما باید آن را اصلاح کنیم .

پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی به روشنی توفیق‌های عظیم خلق ما را در سال‌های گذشته ثبت می‌کند و به وضوح وظایف نوین انقلابی را در دوره تازه تاریخی مشخص می‌نماید .

نکات عمده در پیش نویس اصلاحی قانون اساسی
 من در زیر مجملی از نکات عمده پیش نویس اصلاحی قانون اساسی
 را بر می شمرم .

(۱) خصلت جمهوری دموکراتیک ویتنام

خصلت دولت مسأله بنیادی در قانون اساسی به شمار می رود .
 این خصلت مسأله محتوی طبقاتی قدرت دولتی است ، (۱) قدرت در
 دست چه کسانی است و به حقوق و منافع چه کسانی خدمت می کند ؟
 این مسأله ، محتوی کلی قانون اساسی را تعیین می کند .

دولت ویتنام که پس از انقلاب اوت مستقر شد دولت دموکراتیک
 خلقی بود که توسط طبقه کارگر رهبری می شد . سر آغاز پیش نویس
 اصلاحی قانون اساسی خاطر نشان می کند :

« دولت ما ، دولت دموکراتیک خلقی است که بر پایه اتحاد کارگر
 دهقان استوار هست و توسط طبقه کارگر رهبری می شود . »
 به منظور بنای سوسیالیسم و مبارزه برای تجدید وحدت کشور ما

۱ - در پیش نویس قانون اساسی ما نیز این تعریف کاملاً مصداق دارد . وقتی
 ما بخواهیم این پیش نویس را نقد کنیم نخست ، باید خصلت دولت موقت ، یعنی طبقات
 حاکم را تعریف کنیم و وقتی تعریف جامع و رادعی از محتوی طبقاتی قدرت دولتی بدست
 دادیم ، آنگاه مشخص می شود که دولت موقت در کدام زمینه ها میکوشد با وضع قوانین
 لباس قانونی به امتیازات و حفظ وضع موجود بپوشد و در نتیجه در کدام زمینه های
 دیگر با وضع همان قوانین از نیازها و خواستها و بالندگی های طبقات
 زحمتکش جلومی گیرد . اگر پیش نویس قانون اساسی ایران را بر مبنای این اصل
 علمی بررسی کنیم ، منظر طبقاتی دولت موقت دقیقاً روشن می شود و پایگاه ایدئولوژی
 آن به وضوح از چهار دیدگاه اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و نظامی ، چه در سیاست
 داخلی و یا در سیاست خارجی معلوم می گردد . مترجم

باید بی وقفه رهبری طبقه کارگر را بر دولت دموکراتیک خلق تقویت کنیم .
اتحاد کارگر- دهقان شالوده جمهوری دموکراتیک ویتنام است .
طبقه دهقان نیروی تولیدی بس عظیمی را تشکیل می دهد . در انقلاب
دموکراتیک ملی توده‌یی، دهقانان با تمام توش و توان از حزب پیروی
کرده‌اند و پهلو به پهلو طبقه کارگر برای سرنگون کردن امپریالیسم و
فتودالیسم به پا خاسته‌اند . هم‌اکنون آنان با شور و حرارت به جنبش
تعاونی کشاورزی می‌پیوندند . این همه به علت روحیه فعال انقلابی و
شکستی خود آنان و آموزش و قفنه‌ناپذیر حزب و طبقه کارگر حاصل آمده
است . بنا بر این در بنای سوسیالیسم، دولت ما سخت تلاش می‌ورزد
که به طبقه دهقان کمک کند و اتحاد کارگر- دهقان را یک پارچه سازد .

طبقه کارگر با پیشه‌وران و بازرگانان کوچک متحد می‌شود زیرا
آنان از زحمتکشان هستند، آنان به رضا و رغبت راه تعاون و همکاری را
گزین می‌کنند و انقلاب سوسیالیستی را تأیید و حمایت می‌نمایند .

انقلاب سوسیالیستی با پیشرفت علمی و فنی و پیشرفت فرهنگی
خلق پیوند آگاهانه‌یی دارد . روشنفکران ما سهم گرانقدری به مقاومت
ادا کردند . آنان پیوسته با حزب، که راه ترقی را برایشان باز گذاشته است
همکاری داشته‌اند . به همین دلیل است که آنان راه سوسیالیسم را انتخاب
می‌کنند . طبقه کارگر با اندیشمندان از نزدیک پیوند می‌یابد تا به آنان در
خدمت به انقلاب و سوسیالیسم یاری کنند .

تحت رهبری طبقه کارگر، بورژوازی ملی ویتنام از انقلاب ملی
دموکراتیک توده‌یی پشتیبانی کرده است . از زمان استقرار صلح ، آنان
سهم خود را به تجدید بنای اقتصادی ادا کرده‌اند . هم‌اکنون مادر شرایطی
هستیم که می‌توانیم آنان را در مسیر سوسیالیستی متحول سازیم . در بخش

شمالی میهن ما، نیروهای اقتصاد سوسیالیستی، به وضوح بر نیروهای اقتصاد سرمایه‌داری تفوق یافته‌اند. ما اقتدارها کمیت خلق را در اختیار داریم. مبارزه انقلابی توده‌های کارگربیش از پیش نیرومندتر می‌شود. بورژوازی ملی آماده است دگرگونی و تحول مربوط به سازندگی ملی و بنای سوسیالیسم را پذیره شود.

کشور ما سرزمین کثیرالملة متحدی به شمار می‌رود. تمام ملیت‌هایی که در قلمرو ویتنام زندگی می‌کنند در حقوق و وظایف برابرند. تمام ملیت‌ها در میهن ما برادرانه به همدیگر وابسته‌اند؛ آنان از قلمرو مشترکی سهم می‌برند و در مسیر تاریخ طولانی ما پهلو به پهلو کار و مبارزه کرده‌اند تا سرزمین زیبای اجدادی ما را بنا کنند.

امپریالیسم و فئودالیسم دانسته در تلاش ایجاد شقاق در همبستگی و برابری در میان ملیت‌های ما است تا بذرنفاق در میان‌شان بیاشد و سیاست «تفرقه‌انداز، حکومت کن» را تحقق بخشد. حزب و حکومت ما پیوسته از ملیت‌ها دعوت می‌کند عداوت‌هایی را که امپریالیسم و فئودالیسم دامن می‌زنند کنار گذارند و از نزدیک بر اساس برابری در حقوق و وظایف متحد شوند. ملیت‌های در اقلیت، شانه به شانه برادران ملیت اکثریت خود، در برابر دشمنان مشترکشان جنگیده‌اند و انقلاب اوت و نبرد مقاومت را ظفر نمون کرده‌اند. از زمان استقرار صلح، دولت ما به ملیت‌های برادر یاری کرده است تا در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ترقی بیشتری نایل آیند. مناطق خودمختار ویت‌باک و تایپه‌مئو بنیان یافته است. ملیت‌ها، در وحدت به هم پیوسته تحت رهبری حزب و دولت با شور و حرارت در جنبش رقابت برای سازندگی ملی شرکت می‌جویند.

خط مشی ملیت‌های ما این است که به‌برابری و تشریک‌مساعی میان ملیت‌ها نائل آیند تا بتوانند با یکدیگر به‌سوی سوسیالیسم ترقی کنند. در آینده ممکن است مناطق خود مختار در نواحی که ملیت‌های در اقلیت به‌صورت اجتماع‌های پراکنده زندگی می‌کنند بنیان گیرد.

۲ - خطوط کلی پیشرفت به‌سوسیالیسم

نزدیک به یک قرن، ویتنام سرزمینی مستعمره و نیمه‌فئودال بود. اقتصادش سخت عقب‌مانده و نامتجانس بود، تولید، کم پیشرفت کرده بود و معیارهای زندگی مادی و فرهنگی مردم نازل بود. برای خلاصی از این وضع تنگدستی، ویتنام شمالی باید به‌سوی سوسیالیسم پیشرفت کند.

اصل ۹ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی مسیر پیشرفت به‌سوسیالیسم را ذکر می‌کند « جمهوری دموکراتیک ویتنام به‌اتکای پیشرفت و دگرگونی اقتصاد ملی در مسیر سوسیالیستی و تحول اقتصاد عقب‌مانده به‌اقتصاد سوسیالیستی با صنایع و کشاورزی مدرن و علوم و تکنولوژی پیشرفته گام به‌گام از دموکراسی توده‌یی به‌سوسیالیسم پیشرفت خواهد کرد. سیاست اقتصادی جمهوری دموکراتیک ویتنام به‌طور دم‌ریز باید تولید را با این هدف گسترش دهد که پیوسته معیارهای مادی و فرهنگی خلق را اعتلا بخشد. »

هم‌اکنون در کشور ما اشکال عمده مالکیت بروسایل تولید عبارت

است از :

- مالکیت دولت، یعنی، مالکیت تمام خلق؛

- مالکیت کوپراتیوها، یعنی، مالکیت جمعی زحمتکشان .

- مالکیت زحمتکشان منفرد؛

- مالکیت چند وسایل تولید سرمایه‌داران .

هدف رژیم ما این است که اشکال مالکیت غیر سوسیالیستی را از میان بردارد و اقتصاد نامتجانس کنونی را به اقتصادی متجانس بر پایه نظام مالکیت تمام خلق و مالکیت جمعی استوار سازد .

طبق اصل ۱۲ پیش نویس اصلاحی قانون اساسی، بخش اقتصادی دولتی از آن تمام مردم است، و اقتصاد ملی را رهبری می‌کند و دولت برای پیشرفت حق تقدم قایل می‌شود .

مطابق اصل ۱۳، بخش اقتصاد کوپراتیو یکجا در اختیار تمام زحمتکشان قرار دارد، دولت برای پیشرفت آن باید وسایل تشویق، رهنمودی و مساعدت را فراهم کند .

ما باید بخش اقتصاد دولتی را گسترش دهیم تا بنیاد مادی برای سوسیالیسم ایجاد شود و تحول سوسیالیستی انگیخته گردد .

- کوپراسیون کشاورزی قوه محرکه عمده تحول سوسیالیستی در شمال محسوب می‌شود. تجارب گذشته نشان داده است که کوپراسیون کشاورزی درمیهن ما باید از صافی اشکال تیم‌های مبادله کار و کوپراتیو-های تولید کنندگان کشاورزی عبور کند . این امر بسیار ضرور است . اگر ما به طور پیوسته گام به گام تیم‌های مبادله کار و کوپراتیوها را گسترش دهیم، کوپراسیون کشاورزی مسلماً موفقیت آمیز خواهد بود .

- از جهت پیشه‌وران و دیگر زحمتکشان منفرد، دولت از حق مالکیت آنان بر وسایل تولیدشان حمایت می‌کند، فعالانه آنها را راهنمایی و به آنها کمک می‌کند تا داد و ستد خود را بهبود بخشند و کوپراتیوهای

تولید کنندگان را در انطباق با اصول داوطلبی سازمان دهند .

- در مورد تجار بورژوا و صاحبان صنایع ، دولت حق مالکیت آنان بروسایل تولید و دیگر اموالشان را ملغی نمی کند بلکه فعالانه فعالیت های آنان را هدایت می کند تا در مسیر منافع دولت و رفاهیت خلق و برنامه اقتصاد دولتی قرار گیرند . در عین حال دولت آنها را تشویق می کند تا خود را به اتکای مالکیت مشترک دولتی - خصوصی و دیگر اشکال تحول در مسیر مشی های سوسیالیستی متحول سازند .

بر ابر اصل ۱۰ پیش نویس اصلاحی قانون اساسی ، دولت فعالیت های اقتصادی را مطابق يك برنامه يك پارچه رهبری می کند . دولت از ارگان های دولتی بهره می جوید و بر اتحادیه های کارگری ، کوپراتیوها و دیگر سازمان های زحمتکشانشان اتکاء می کند تا برنامه اقتصادیش را جزه به جز تنظیم کنند و به موقع اجرا در آورند .

در پی استقرار صلح و آغاز تجدید بنای اقتصادی ، ما به تدریج اقتصاد در شمال را در امتداد راه پیشرفت با برنامه پی گرفتیم . ما يك طرح اجرایی سه ساله برای تجدید بنای اقتصادی داشتیم (۱۹۵۵-۱۹۵۸) . هم اکنون يك برنامه سه ساله را برای پیشرفت اولیه اقتصادی و فرهنگی اجرا می کنیم و راه را برای نخستین برنامه پنج ساله هموار می سازیم . هدف برنامه سه ساله علی الخصوص این است که تحول سوسیالیستی اقتصاد انفرادی دهقانان ، پیشهوران و دیگر زحمتکشانشان منفرد و بخش سرمایه داری خصوصی را پیش برد؛ و در عین حال بخش اقتصاد دولتی را توسعه و تقویت کند و پیشرفت اقتصادی را به مسیر سوسیالیسم سوق دهد .

دولت ما به منظور انجام وظایف انقلابی خود، باید حقوق دموکراتیک و فعالیت‌های سیاسی تمام خلق را گسترش دهد تا شور و حرارت و خلاقیت آنان اعتلاء یابد و مسبب شود تمام شهروندان ویتنام در اداره امور دولتی شرکت فعالانه داشته باشند و برای بنای سوسیالیسم و مبارزه به منظور تجدید وحدت ملی جد و جهد کنند.

رژیم انقلابی ما تقریباً پانزده سال است که مستقر شده است. قانون اساسی سال ۱۹۶۰ پارلمان خلق و شوراهای خلق را در سطوح مختلف برپا کرد. مجمع ملی، شورای خلق سراسر کشور به شمار می‌رود. در سطوح داخلی شوراهای خلق به کار مشغولند. مجمع ملی و شوراهای خلق متشکل از نمایندگان است که توسط مردم از طریق آرای عمومی انتخاب می‌شوند. مجمع ملی در مهم‌ترین امور دولت تصمیم‌گیری می‌کند، شوراهای خلق در مهم‌ترین امور مناطق اتخاذ تصمیم می‌نمایند. در جریان مقاومت، مجمع ملی و حکومت به هم پیوستند و خلق ما را رهبری کردند و جنگ میهن‌پرستی و ضد امپریالیستی را به پیروزی افتخار آفرینی رساندند. مجمع ملی قانون مربوط به اصلاحات ارضی را تصویب کرد که ناظر بود بر کامل کردن انقلاب ضد فئودالی. در مناطق، شوراهای خلق امر بسیج مردم را در انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی فراهم کردند.

از زمان استقرار مجدد صلح، مجمع ملی طرح اجرای تجدید بنای اقتصادی، برنامه سه‌ساله برای پیشرفت اولیه اقتصادی و فرهنگی

وخط مشی‌های پیشرفت اقتصادی و تحول در امتداد خط سوسیالیستی و قوانین مربوط به آزادی‌های دموکراتیک و غیره را تصویب کرده است. اینها مهم‌ترین مسایل در ارتباط با مصالح ملی و رفاهیت خلق محسوب می‌شود.

طبق ماده ۴ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی، تمام قدرت‌ها در جمهوری دموکراتیک ملی از آن خلق است. مردم از طریق مجمع ملی و شورای خلق در سطوح مختلف اقتدار خود را اعمال می‌کنند، این مجمع و شوراها توسط مردم انتخاب می‌شوند و در مقابل مردم مسئول‌اند.

سیستم انتخاباتی ما دموکراتیک است و در عین حال وحدت را در میان تمام خلق تحقق می‌بخشد. تمام شهروندان از سن ۱۸ به بالا حق رأی و از سن ۲۱ به بالا حق نامزد شدن در انتخابات را دارند. انتخابات بر پایه اصول حق رأی عمومی، برابر، مستقیم و مخفی برگزار می‌شود. خلق حق کنار گذاشتن نمایندگان مجمع ملی و شوراهای خلق را دارد، در صورتی که نمایندگان مجمع شوراها نشان دهند که مورد اعتماد خلق نیستند. این اصول حق مردم را در کنترل نمایندگان نشان تضمین می‌کند.

اصل ۶ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی تصریح می‌کند که تمام ارگان‌های دولتی و وظیفه دارند که بر خلق اتکاء کنند و تماس نزدیکی را با آنان حفظ نمایند و به عقاید و نظرات ایشان به دقت گوش فرا دهند و به نظارتشان تن سپارند.

مجمع ملی ارگان عالی قدرت دولت به شمار می‌رود. شوراهای خلق ارگان‌های دولت در مناطق محسوب می‌شوند.

مجمع ملی، رئیس کشور، کمیته دایمی مجمع ملی و شورای حکومتی را انتخاب می کند. شورای حکومتی ارگانی است که وظیفه اجرای قوانین و تصمیمات مجمع ملی و عالی ترین ارگان اداری دولت بدان تفویض می شود. این شورا در مقابل مجمع ملی مسئول است و گزارش کار خود را به آن تقدیم می کند. در دوره میان دو جلسه مجمع ملی، شورای حکومتی مسئول است و به کمیته دایمی مجمع ملی گزارش می دهد.

مجمع ملی تنها ارگانی است که قدرت قانون گذاری دارد. مجمع ملی در مهم ترین امور دولت در سطحی ملی تصمیم گیری می کند.

شوراهای خلق کمیته های اداری را در سطوح مختلف انتخاب می کنند. این کمیته ها ارگان های اجرایی شوراهای خلق اند. این کمیته ها در مقابل شوراهای خلق مسئول هستند و گزارش کار خود را به آنها تقدیم می کنند. در عین حال آنها تحت رهبری مستقیم کمیته های اداری سطوح بالاتر و رهبری واحد شورای حکومتی قرار دارند.

مهم ترین امور منطقه ای به وسیله شوراهای خلق فیصله داده می شود. نظام اقتصادی و اجتماعی ما ناظر است بر تحقق کامل عیار حقوق دموکراتیک خلق بر پایه افزایش پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی و امحای تدریجی استثمار سرمایه داری و بهبود معیارهای مادی و فرهنگی خلق. بر این روال تمام شرایط برای مردم ما گرد می شود تا آنان در اداره دولت شرکت مؤثر داشته باشند.

اصل ۴ پیش نویس اصلاحی قانون اساسی به روشنی تصریح می کند که اصول حاکم بر سازمان دولتی ماسانترالیسم دموکراتیک است (۱). مجمع ملی و شوراهای خلق و شورای حکومتی و دیگر ارگان های دولتی همه از اصول سانترالیسم دموکراتیک متابعت می کنند. دولت ما کامل عیارترین شکل پیشرفت دموکراسی را تضمین می کند زیرا دولتی خلقی به شمار می رود، تنها به وساطت کامل ترین پیشرفت دموکراسی تمام نیروهای خلق می توانند بسیج شوند و امر انقلاب را پیش برند. در عین حال عالی ترین سانترالیسم باید تأمین شود تا خلق را در بنای سوسیالیسم راهبری کند.

۴ - حقوق و وظایف اساسی شهروندان

پیش نویس اصلاحی قانون اساسی به روشنی حقوق و وظایف اساسی شهروندان میهن ما را تصریح می کند. این تصریحات خصلت به راستی دموکراتیک رژیم ما را نشان می دهد. گاه سرمایه داران لاف می زنند که قوانین اساسی آنان حقوق فردی و آزادی های دموکراتیک و منافع تمام شهروندان را تضمین می کند. لکن در واقع تنها بورژوازی از حقوق موضوعه درین قوانین اساسی بهره مند می شود. زحمتکشان در واقع از آزادی های دموکراتیک بهره نمی برند؛ آنان در تمام زندگی خود استثمار می شوند و ناگزیرند

۱ - برای اطلاع بیشتر ر. ک. به کتاب «واژه های نو» ص. ۷۰

در خدمت به طبقه استثمار کننده با سنگینی را بردوش کشند.

سرمایه داران گاهی بهتان‌هایی را شایع می‌کنند که رژیم سوسیالیستی ما منافع شخصی شهروندان را محترم نمی‌شمرد. اما حقیقت این است که تنها رژیم ما فی الواقع منافع افراد، بیش از همه منافع طبقه کارگر را تأمین می‌کند و از منافع تمام مردم حراست می‌کند و دموکراسی را بسط می‌دهد تا مردم قادر شوند در اداره دولت فعالانه شرکت بجوبند. به این دلیل است که خلق ما تمام انرژی خود را در مقام اربابان کشور به وظایفشان اختصاص می‌دهند تا بدین سان سوسیالیسم را بنا کنند و میهن را قدرتمند و خلق ما را کامکار و سعادتمند سازند.

پیش نویس اصلاحی قانون اساسی به وضوح ذکر می‌کند که شهروندان جمهوری دموکراتیک ویتنام از این حقوق برخوردارند :

- حق کار؛

- حق استراحت؛

- حق مطالعه؛

- حق آزادی فردی؛

- آزادی عقیده، مطبوعات، اجتماع، انجمن، و حق برگزاری

تظاهرات .

- آزادی اعتقاد مذهبی، پیروی یا عدم پیروی از هر مذهبی؛

- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات و غیره .

تمام شهر وندان در مقابل قانون یکسانند. زنان در هر مورد از

حقوق برابری با مردان برخوردارند: حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و خانوادگی. دولت توجه خاصی به آموزش و پرورش اخلاقی

وفکری و جسمی جوانان مبذول می‌دارد .

در پرتو خصلت دولت و نظام اقتصادی و اجتماعی ما، دولت نه تنها منافع شهروندان را به رسمیت می‌شناسد بل همچنین لزوم شرایط مادی برای آنان را تضمین می‌کند تا از این منافع به طور مؤثر برخوردار شوند .

دولت آزادی‌های دموکراتیک را برای شهروندان تضمین می‌کند لکن هر گونه سوء استفاده از این آزادی‌ها را به منظور تخلف از مصالح دولت و خلق - آن‌سان که به روشنی در اصل ۳۸ پیش نویس اصلاحی قانون اساسی تصریح می‌شود - اکیداً ممنوع می‌کند .

در رژیم ما منافع دولت، جمعی یا فردی، اساساً یکی است. بنا بر این مادامی که بهره‌مندی حقوقی برای شهروندان توسط دولت و جمع ایجاد می‌شود، تمام شهروندان باید آگانه وظایف خود را نسبت به دولت و جمع انجام دهند .

شهروندان وظیفه دارند قانون اساسی، قوانین، انضباط کار، نظم عمومی و مقررات زندگی اجتماعی را رعایت کنند . شهروندان وظیفه دارند اموال عمومی را محترم شمرند و مالیات‌ها را مطابق قانون بپردازند و خدمت نظام را انجام دهند و از سرزمین اجدادی خود دفاع کنند .

تنها در نظامی سوسیالیستی است که منافع فردی و دولتی و جمعی یکی است و به همین علت است که تنها قانون اساسی سوسیالیستی می‌تواند شهروندان را ترغیب کند تا با شور و حرارت وظایف خود را در مقابل جامعه و میهن انجام دهند .

نظراتی که در باب پیش نویس اصلاحی قانون اساسی ارایه شد

دورشته مباحثات در باب پیش نویس اصلاحی قانون اساسی در میان مردم، دوران بسیار چشمگیر فعالیت سیاسی بوده است. خلق ما با شور و حرارت با شرکت در تهیه و تکمیل قانون اساسی از حقوق دموکراتیک خود استفاده کرد. مردم در مناطق مختلف، ادارات دولتی، سازمان‌های توده‌یی، واحدهای آرتش، شوراهای خلق در استان‌ها و بسا از هم‌میهنان در جنوب و خارج و مطبوعات پیشنهادات بی شماری ارسال کرده‌اند. تمام این پیشنهادات به دقت توسط کمیته مسئول اصلاح قانون اساسی مطالعه شده است. در این فرصت، کمیته قدردانی خود را از هم‌میهنان به خاطر ارایه نظریاتشان درباره پیش نویس قانون اساسی ابراز می‌کند.

اکنون خلاصه‌یی از عمده نظراتی که توسط هم‌میهنان ما ارایه شده به عرض می‌رسد:

۱ - در خصوص سر آغاز قانون اساسی، در اجابت پیشنهادات خلق، کمیته مسئول اصلاح قانون اساسی الحاقاتی افزوده است تا دست آوردهای ثبت شده، موفقیت و وظایف کنونی انقلابی و مبارزه قهرمانانه هم‌میهنان ما در جنوب بیش از پیش آشکار شود و خاطر نشان گردد که انقلاب سوسیالیستی در شمال مسلماً پیروز خواهد شد و میهن ما به طور قطع از نو وحدت خواهد یافت.

۲ - اصل ۱ پیش نویس اصلاحی قانون اساسی به اتفاق نظر تأیید شده است، زیرا از همان آغاز بريك پارچگی میهن ما تأکید می‌ورزد. هم اکنون میهن ما هنوز به طور موقت دوپاره است، لکن تمام خلق ما، در شمال و در جنوب، به ضرس قاطع مطمئن است که کشورش از نو وحدت خواهد یافت. بنا برین، تأیید قاطع وحدت میهن مان در همان اصل نخست پیش نویس اصلاحی قانون سر به سر صحیح است.

۳ - بسیاری از مردم بر این نظر بودند که به وضوح باید تصریح گردد که دولت ما بر پایه اتحاد کارگر- دهقان تحت رهبری طبقه کارگر استوار می‌باشد، زیرا این واقعیت بزرگ تاریخی است که برای خلق ما پیروزی‌های بس عظیم انقلابی همراه آورده است و انجام وظایف انقلابی آنان را در مرحله نوین تضمین می‌کند. معذرا همان گونه که این خصلت به روشنی در سر آغاز نگاشته شده است تنها لازم است در اصل ۲ تصریح شود که جمهوری دموکراتیک ویتنام يك دولت دموکراتیک توده‌بی است. این امر به قدر کافی روشن است.

۴ - اصل ۳ آشکارا تصریح می‌کند که ویتنام کشور واحد کثیرالمه است و وظیفه دولت آن است که همبستگی میان ملیت‌ها را حفظ کند و آنرا بسط دهد.

۵ - سانتراليسم دموکراتیک اصل سازمانی بنیادی ارگان‌های دولتی در لواء رژیم ما محسوب می‌شود. این امر در سازمان دولتی ما نشان داده می‌شود. هم از این روی بود که بسا مردم پیشنهاد کرده‌اند که این امر به وضوح در قانون اساسی ما نگاشته شود. ما این مهم را به اصل ۴ الحاق کرده‌ایم.

۶ - پیشنهادهایی شده است به این معنا که راه پیشرفت میهن ما

و چشم اندازه پیشرفت اقتصادی آن باید به روشنی ذکر شود. کمیته مسئول اصلاح قانون اساسی اصل ۹ را تکمیل کرده است و به وضوح تصریح می کند که مبین ما به کشوری دارای اقتصاد سوسیالیستی با صنایع و کشاورزی مدرن و علوم و تکنولوژی پیشرفته تبدیل خواهد شد.

۷ - پیشنهادات فراوانی شده است که حد اقل سنی انتخاب شدن در انتخابات بالاتر از حد سنی رأی دادن مقرر شود. ما اصل ۲۳ را اصلاح کرده ایم و حد اقل سنی برای رأی دهندگان را در ۱۸ سالگی و حد اقل سنی نامزدها را در انتخابات در ۲۱ سالگی ثابت کرده ایم.

۸ - ما پیشنهاد مربوط به ایجاد یک شورای دفاع ملی را پذیرفته ایم و آن را در پیش نویس قید کرده ایم: رئیس جمهوری دموکراتیک ویتنام، رئیس شورای دفاع ملی محسوب می شود. معاون رئیس و دیگر اعضای شورا به پیشنهاد رئیس جمهور توسط مجمع ملی انتخاب می شوند.

۹ - پیشنهاد شده است که کمیسیون های مختلفی که قرار است توسط مجمع ملی دایر شود در قانون اساسی ثبت گردد. ما در قانون اساسی، کمیسیون مسؤل رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان، کمیته طرح قوانین و کمیته برنامه ریزی و بودجه را ذکر کرده ایم، و در عین حال تصریح نموده ایم که مجمع ملی بحتل دیگر کمیسیون ها را به وقتی که حضورشان لازم باشد و کمیته دایمی خود را دایمی کند.

۱۰ - از دیدگاه بسی اشخاص، باید تصریح می شد که رئیس کشور هر وقت که لازم بداند حق حضور و ریاست در جلسات شورای حکومتی را دارد. کمیته مسؤل اصلاح قانون اساسی این مورد را در اصل ۶۶ ثبت کرده است.

گذشته از پیشنهاداتی که کمیته مسؤل اصلاح قانون اساسی

تصویب کرده و آنها را به عنوان پایه اصلاح پیش نویس قانون اساسی مرعی داشته است، پیشنهادات دیگری در باره جزئیات مسایل مربوط به وضع قوانین یا فعالیت های ارگان های دولتی وجود داشته است. ما این گونه پیشنهادات را برای مطالعه به ارگان های مسئول ارسال خواهیم کرد.

نمایندگان،

چهارده سال پیش خلق ما با شادمانی از نخستین قانون اساسی میهن مان استقبال کرد. امروز خلق ما باردگر با شور و حرارت در باب پیش نویس اصلاحی قانون اساسی بحث کرده و نظر داده است. در روند این مباحثات، آنان به روشنی راه غلبه بر مشکلات را تشخیص دادند و در پیروزی های حاصله، روح امید و الهام عظیمی حاصل کرده اند: شمال کشور ما سر به سر آزاد شده است، خلق ما قدرت مؤثری در اختیار دارد، اقتصاد سوسیالیستی به سرعت پیشرفت می کند. معیارهای مادی و فرهنگی خلق ما بهبود یافته است. اخلاق انقلابی در میان ما به تدریج اعتلا یافته، و همبستگی در بین مردم مان روز به روز مستحکم شده است، تمرین دموکراسی تا درجه بی عالی بسط یافته است؛ و مردم به راستی از بابان کشور محسوب می شوند.

خلق از همه پیشه ها در شمال و نیز در جنوب به گرمی از پیش نویس اصلاحی قانون اساسی استقبال می کنند. تمام مردم ما اعتقاد راسخ دارند که شمال و جنوب از نو در خانواده بزرگ سرزمین یک پارچه ویتنام متحد خواهند شد.

قانون اساسی، شور و حرارت فراوانی به مبارزه برادران جنوبی ما خواهد دمید؛ آنان توجهات خود را به مجمع ملی و حکومت معطوف خواهند داشت و برای تجدید وحدت میهن اجدادی ما به مبارزه‌ی به مراتب سخت‌تر همت خواهند گماشت .

تمام خلق ما آگاهند که پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی کنونی در خور حزب - یعنی این حزب سازمان‌دهنده و رهبر پیروزی‌های افتخار آفرین گذشته و ضامن دست‌آوردهای عظیم آینده - و شایسته وحدت تمام خلق ما و مبارزه دلیرانه‌ی است که به همت آنان به منظور سازندگی ملی در مسیر مشی حزب پی گرفته می‌شود .

از روزی که مجمع ملی وظیفه تدوین پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی را به کمیته ما محول کرد، ما بلا انقطاع کار کرده‌ایم و ۲۷ جلسه برگزار نمودیم . پیش‌نویس کامل شده است ؛ و امروز کمیته ما پیش‌نویس را به مجمع ملی تقدیم می‌کند . ما در نهایت حد توانایی خود کار کرده‌ایم اما نمی‌توانیم مدعی حد کمال باشیم . ما امیدواریم شما درباره آن بحث کنید و اصلاحات بیشتری ارایه نمایید و در آخر پیش‌نویس توسط مجمع ملی مورد تصویب قرار گیرد .

این پیش‌نویس قانون اساسی، بعد از تصویب توسط مجمع ملی، قانون اساسی جدید ما خواهد شد .

این قانون اساسی، میهن پرستی خلق ما و عشق آنان را به سوسیالیسم افزون‌تر خواهد کرد؛ و آنان را ترغیب خواهد نمود که بیش از پیش متحد شوند و با شور و حرارت هر چه بیشتر برای بنای ویتنامی صلح آمیز یک پارچه، مستقل، دموکراتیک و کاملاً یکدیگر رقابت و چشم‌هم‌چشمی کنند .

مشى حزب در دوره جبهه دموکراتیک (۱۹۳۶-۱۹۳۹) ❀

۱ - عجاله حزب نباید خواست‌های سنگینی (از قبیل استقلال

* این گزیده است از گزارشی که نگوئین آی کیوک (هوچی مین)

به انترناسیونال کمونیستی در ژوئیه ۱۹۳۹ داد ، (ویراستار)

اما در مورد جبهه دموکراتیک : در مقابل باخطری که فاشیست‌های

آلمانی و ایتالیایی و ژاپنی پدید آوردند و خود را برای جنگ جهانی تازه و یورش

به اتحاد شوروی آماده کرده بودند ، احزاب کمونیست برنامه اقدام خود را

تغییر دادند و بر آن شدند جبهه گسترده ملی را علیه فاشیسم و جنگ ایجاد کنند.

در ویتنام ، در ژوئیه سال ۱۹۳۶ ، کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوچین

موقتاً تصمیم گرفت شعارهای حزبی د امپریالیسم فرانسه را سرنگون کنید ، و

د املاک زمینداران را برای توزیع به دهقانان صادره کنید ، را کنار گذارد ،

و جبهه هندوچین را علیه امپریالیسم بر پا دارد (این جبهه بعدها ، جبهه

دموکراتیک هندوچین نامیده شد) . رفیق هوچی مین در آن زمان در چین بسر

می برد . (از بخش یادداشت‌ها)

ملی، پارلمان و غیره) را پیش کشد. انجام چنین کاری آب در آسیاب فاشیست‌های ژاپنی ریختن است.

حزب تنها باید حقوق دموکراتیک، آزادی سازمان‌دهی، آزادی اجتماع، آزادی مطبوعات و آزادی بیان و عفو عمومی برای تمام بازداشت‌شدگان سیاسی و آزادی حزب را برای فعالیت‌های علنی مطالبه کند.

۲ - برای رسیدن به این هدف، حزب باید سخت تلاش ورزد که جبهه ملی دموکراتیک گسترده‌یی را سازمان دهد.

این جبهه نه تنها هندوچینی‌ها بل خلق ترقیخواه فرانسوی‌ساکن هندوچین و نه همان زحمتکشان بل همچنین بورژوازی ملی را باید در بر بگیرد.

۳ - حزب باید گرایشی ماهرانه و انعطاف‌پذیری در مقابل بورژوازی ملی پیش گیرد و تلاش ورزد آنان را به درون جبهه جذب کند و در آن نگاهشان دارد و اگر ممکن شد بکوشد آنها در عمل شرکت کنند و اگر لازم شود از لحاظ سیاسی منزویشان کند. در هر حال، ما نباید بگذاریم آنان در خارج از جبهه باقی بمانند، گرنه به درون صف ارتجاع فرومی‌غلتنند و آن را تقویت می‌کنند.

۴ - در مورد تروتسکیست‌ها، نه‌سازشی می‌تواند وجود داشته باشد و نه امتیازی. ما باید به هر کار ممکن دست بزنیم تا چهره آنان به عنوان عناصر فاشیسم آشکار شود و آنها را از لحاظ سیاسی از میان برداریم.

۵ - جبهه دموکراتیک هندوچین، به منظور افزایش و یکپارچگی نیروهای خود و گستردن نفوذ و کارخویش به طور مؤثر، باید تماس نزدیکی را با جبهه خلق فرانسه، حفظ نماید، چه این جبهه نیز برای

آزادی و دموکراسی مبارزه می کند و می تواند کومک بزرگی به ما بکند.

۶ - حزب نمی تواند طالب این باشد که جبهه، رهبریش را به رسمیت بشناسد. حزب به جای این باید نشان دهد که صادق ترین و صمیمی ترین عامل جبهه می باشد. حزب تنها به اتکای مبارزه و کار روزانه، آن هم هنگامی که توده های مردم خط مشی های درست و استعداد قابل ملاحظه حزب را پذیرفته باشند، می تواند مقام برتری کسب کند.

۷ - به منظور انجام این وظیفه حزب باید به طور قاطعانه با فرقه گرایی مبارزه کند و مطالعه منظم (سیستماتیک) مارکسیسم - لنینیسم را سازمان دهد تا سطح فرهنگی و سیاسی دانش اعضای حزب بالا رود. حزب باید به کادرهای غیر حزبی کومک کند تا معیارهای خود را اعتلاء بخشند. نیز باید با حزب کمونیست فرانسه تماس نزدیکی را حفظ کند.

۸ - کمیته مرکزی اجرایی باید بر مطبوعات حزبی نظارت کند تا از اشتباهات تکنیکی و سیاسی اجتناب بورزد (فی المثل در انتشار زندگینامه رفیق ر، نشریه کار آشکار می کند که او کجا بوده و چگونه بازگشته بود، و غیره. نیز بدون تفسیر، نامه او را که ذکر می نماید تروتسکیسم محصول بطالت شخصی است، و لا غیر منتشر می کند).

نامه‌یی از خارج

(عزوتن، ۱۹۴۱)

بزرگان محترم!

شخصیت‌های میهن‌پرست!

روشنفکران، دهقانان، کارگران، بازرگانان و سربازان!

هم‌میهنان عزیز!

از وقتی فرانسه توسط آلمان شکست خورد، و قدرتش یکسره فرو

ریخت، معهدا، در خصوص خلق ما، فرمانروایان فرانسوی در اجرای سیاست بهره‌کشی، سرکوبی و کشتار عام بی‌رحمانه‌تر شده‌اند. آنان خون ما را می‌ریزند و سیاست سبعانه تروریسم و قتل عام را با تمام قدرت اجرا می‌کنند. در زمینه خارجی، آنان، با سر تعظیم و زانوان خمیده خود کنار می‌کشند، تا بخشی از سرزمین ما را به سیام واگذار کنند و با بی‌شرمی میهن ما را به ژاپن تسلیم می‌نمایند. در نتیجه خلق مادرزیر یوغ مضاعف عذاب می‌کشد. ویتنامی‌ها نه تنها بسان حیوانات بارکش به راهزنان فرانسوی بل همچین همچون بردگان به غارتگران ژاپنی بیگاری می‌دهند. دردا! مگر خلق ما چه گناهی مرتکب شده است که باید چنین سرنوشت محتومی داشته باشد؟ آیا ما، غرق در چنین عذاب اسفباری، باید دست به سینه منتظر مرگ بمانیم؟

نه! البته که نه! ایست و اندی میلیون تن از اولاد لاک‌ها (Lac) و هونک‌ها (Hong) عزم جزم کرده‌اند که نگذارند در بندگی نگه داشته شوند. ما نزدیک به هشتاد سال است که زیر پاشنه‌های آهنین دزدان دریایی فرانسوی پیوسته و فداکارانه برای استقلال ملی و آزادی مبارزه کرده‌ایم. قهرمانی نیاکان ما، مانند فان‌دینه فونگ، هوانگ هواتام و لوونگ‌نگوئو کویین و فتوحات ظفر نمون شورشیان استان‌های قایی‌نگوئین، ین‌بای، نگه آن‌ها تین برای همیشه در خاطر ما زنده خواهد ماند. طغیان‌های اخیر در جنوب و در دو لیونگ و باک‌سون از اراده هم میهنان ما در پی‌گیری سرمشق ظفر نمون پیشینیان شان و نابود کردن دشمن نشانه دارد. اگر ما توفیق نیافتیم، علتش این نبود که راهزنان فرانسوی قوی بودند، بلکه تنها به این جهت بود که شرایط هنوز به حد بلوغ نرسیده بود و خلق ما در سرتاسر میهن یک‌دل و یک‌زبان نبود.

اکنون، فرصت رهایی ما فرا رسیده است - فرانسه خود قادر نیست به استعمارگران فرانسوی یاری کند تا بر سرزمین ما فرمانروایی کنند. در مورد ژاپنی‌ها، از یک سوی، آنان در باطلاق چین فرورفته‌اند و از دیگر سوی، توسط نیروهای انگلیسی و امریکائی از حرکت باز ایستاده‌اند، بنابراین آنان مسلماً نمی‌توانند از تمام قدرت خود علیه ما بهره‌بردارند، اگر تمام خلق ما به استواری متحد شوند ما مسلماً بر سپاهیان بهتر تعلیم یافته فرانسوی و ژاپنی غلبه می‌کنیم.

هم‌میهنان! به پا خیزید! بیایید شانه به شانه روحیه دلیرانه خلق چین عمل کنیم! بدون تأخیر قامت برافرازید! بیایید اتحاد برای رهایی ملی را سازمان دهیم و با فرانسوی‌ها و ژاپنی‌ها پیکار کنیم!

هم‌میهنان عزیز! چند صد سال قبل، در زمان سلطنت تران، وقتی میهن ما با خطر بزرگ هجوم سپاهیان یوان مواجه شد، پیران قوم با شور و حرارت پسران و دختران خود را در سرتاسر کشور فراخواندند تا دست در دست هم بپا خیزند و دشمن را از پای در آورند. سرانجام آنان خلق خود را نجات دادند و خاطره باشکوه‌شان برای همیشه زنده خواهد ماند. بگذار بزرگان و شخصیت‌های میهن پرست، نمونه و سرمشق درخشانی را که به همت اجداد ما برجای ماند نصب العین کنند.

مشایخ، سربازان، کارگران، دهقانان، بازرگانان، جوانان و زنانی که به گرمی به میهن خود عشق می‌ورزید! اکنون امرهایی ملی بر هر چیز دیگری مقدم است! بیایید متحد شویم و ژاپنی‌ها و فرانسوی‌ها و رجاله‌های آنان را برای نجات خلق مان از تنگنای هراسناک کنونی‌شان سرنگون سازیم.

هم‌میهنان عزیز!

رهایی ملی آرمان مشترك تمام خلق ما محسوب می‌شود. هر
ویتنامی باید در آن شرکت بجوید. آن کس که پول دارد، با نقدینه‌اش
کومک کند، آن که توانایی دارد، قدرتش را ایثار نماید، فردی که
استعداد دارد، استعدادش را به کار گیرد. من نیز به نوبه خود عهد می‌کنم
به شما تاسی بجویم و تمام توانایی‌های ناچیز خود را در خدمت به میهن‌مان
نثار کنم و حاضرم جانم را در طبق اخلاص گذارم.

رزمندگان انقلابی!

زمان بحران در رسیده است! پرچم‌های طغیان را بالاتر برافرازید
و در سراسر میهن برای سرنگونی ژاپنی‌ها و فرانسوی‌ها خلق را رهبری
کنید! بانگ ترسان نیاگان مادر گوش‌مان طنین انداز است؛ خون گرم
اجداد قهرمان ما در قلوب‌مان جوشان است! روحیه رزمندگی خلق ما
در مقابل دیدگان‌مان اعتلا می‌یابد! بگذار یک پارچه شویم و عمل خود را
وحدت بخشیم تا ژاپنی‌ها و فرانسوی‌ها را سرنگون کنیم.

انقلاب ویتنام مسلماً ظفر نمون خواهد شد!

انقلاب جهانی به طور قاطع پیروز خواهد شد!

در اخلاق انقلابی

(۱۹۵۸)

آدمی از سر آغاز بود خود ناگزیر بوده است با طبیعت حیوانات وحشی، هوا و غیره - مبارزه کنند تا به بقا ادامه دهد . برای پیروزی درین مبارزه هر فردی باید بر نیروی شماری بزرگ از مردم، بر نیروی جمعی و جامعه تکیه کند ، فرد به تنهایی نمی تواند بر طبیعت و کسب معاش چیره آید .

نیز آدمی برای بقا باید تولید کند تا خوراک و لباسش تأمین شود. تولید، نیز، باید بر نیروی جمعی و جامعه متکی باشد. فرد، به تنهایی نمی تواند تولید کند.

دوران ما، دورانی متمدن و انقلابی است، پس فرد باید هر چه بیشتر و در همه شئونات بر نیروی جمعی و جامعه اتکاء کند، فرد بیش از این دیگر نمی تواند در کناری بایستد بل باید به نیروی جمعی و جامعه پیوندد.

بنابراین، فرد گرایی در جهت مخالف جمع گرایی (کلکتیویسم) قرار دارد، جمع گرایی و جامعه گرایی (سوسیالیسم) مسلماً پای می گیرد و متداول می شود حال آن که فرد گرایی به یقین محومی گردد و از سکه می افتد.

وجه و نیروهای تولیدی وقفه تکامل می یابند و گرگون می شوند؛ و بر همین سیاق تفکر آدمی و نظام های اجتماعی و غیره. همه ما واقف هستیم که از گذشته تا کنون، وجه تولید از بهره جویی از شاخه ساران درخت و تبرهای سنگی به ماشین ها و الکتریسته و انرژی هسته ای تکامل یافته است. نظام های اجتماعی نیز از کمونیسم آغازین به نظام برده-داری و زمین داری (فتودالیسم) و سرمایه داری (کاپیتالیسم) پیشرفت کرده است و امروز نزدیک به نیمی از بشریت به سوی سوسیالیسم و کمونیسم ترقی می کند.

هیچ کس نمی تواند این تکامل و ترقی را متوقف کند. با پدیداری مالکیت خصوصی جامعه به دو طبقه تقسیم شده است- طبقات استثمار کننده و طبقات استثمار شونده. بدین سان تناقضات اجتماعی و مبارزه طبقاتی نیز پیدا شده است. هر شخصی بالضروره

به این یا آن طبقه تعلق دارد و هیچ کس نمی تواند خارج از طبقات قرار گیرد. در عین حال ، هر فردی معرف آرمان (ایدئولوژی) خاص طبقه خود می باشد .

در جامعه کهن ، زمینداران فئودال ، سرمایه داران و امپریالیست ها بی رحمانه بر دیگر قشر های اجتماعی ، علی الخصوص بر کارگران و دهقانان ستم روا داشتند و از آنان بهره کشیدند . اینان مالکیت عمومی را که به وسیله جامعه تولید می شد چپاول می کردند و آنرا به مالکیت خصوصی خود منضم می نمودند و در آسایش و رفاه می زیستند . ولیکن در باره « فضیلت » ، « آزادی » ، « دموکراسی » . . . مداوم یاوه سرایی و غلبه پردازی می کرد .

کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ، که این ستمگری و استثمار را برای همیشه نمی توانستند تاب آورند ، به پا خاستند و انقلاب کردند تا خود را رها سازند و جامعه تبه کار دیرین را به جامعه نیک آئین نوین دگرگون کنند ، به جامعه ای که تمام زحمتکشان به کامیابی زندگی خواهند کرد و در آن بهره کشی فرد از فرد موقوف خواهد شد .

انقلاب ، برای آن که پیروز شود ، می بایست توسط طبقه کارگر این پیشروترین آگاه ترین و مصمم ترین و منضبط ترین و سازمان یافته ترین طبقه - با حزب پرولتری به عنوان ستاد آن رهبری می شد .

انقلاب کردن و دگرگون ساختن جامعه کهن به جامعه نوین امری بس افتخار آفرین است ، لکن همچنین وظیفه ای بی نهایت سنگین و مبارزه ای بس پیچیده و ممتد و دشوار می باشد . تنها رهرویی توانامی - تواند راهی دراز را با باری سنگین بردوشش در نوردد . يك انقلابی باید اساس محکمی از اخلاق انقلابی داشته باشد تا بتواند وظیفه افتخار

آفرین انقلابیش را به تمام انجام دهد .

ما که همه زاده و پروردهٔ جامعهٔ کهن بوده‌ایم، باخود، در تفکر و عاداتمان بیش و کم اثرات آن جامعه را حمل می‌کنیم . بدترین و مخاطره‌آمیزترین نشانهٔ جامعهٔ دیرین فردگرایی است. فردگرایی در نقطهٔ مخالف اخلاق انقلابی ره می‌سپرد. جزئی‌ترین اثر باقی مانده فردگرایی در اولین فرصت رشد می‌کند و فضایل انقلابی را بلا اثر می‌نماید و مانع از آن می‌شود که ما بادل و جان برای آرمان انقلابی مبارزه کنیم .

فردگرایی چیزی است سخت خدعه‌آمیز و غدار ، فردگرایی با مهارت شخص را به واگشت سوق می‌دهد . و همه می‌دانند واگشت آسان‌تر از پیشرفت است. به این علت است که فردگرایی سخت مخاطره‌آمیز می‌باشد .

برای متزلزل کردن اثرات ناخوش آیند جامعهٔ کهن و پروردن فضایل انقلابی، باید سخت مطالعه کنیم و خود را تربیت و اصلاح نماییم تا به طور مداوم ترقی کنیم . در غیر این صورت به قهقرا می‌رویم و پس می‌افتیم و عاقبت به وسیلهٔ جامعهٔ رو به ترقی کنار گذاشته می‌شویم .

مطلب این نیست که تنها با مدرسه رفتن و حاضر شدن در دوره‌های تعلیمی می‌توان مطالعه کرد و خود را تربیت و اصلاح نمود. ما در هر فعالیت انقلابی، می‌توانیم و باید چنین کنیم . فعالیت‌های انقلابی زیر زمینی، طغیان عمومی، جنگ مقاومت، بنای کنونی سوسیالیسم در شمال و مبارزه برای وحدت مجدد ملی، این همه مدارس عالی است که ما می‌توانیم در آنها فضایل انقلابی کسب کنیم .

اشخاص آراسته به فضایل انقلابی نه از دشواری‌ها و مشقات و نه ناکامی‌ها بیم‌بدل راه می‌دهند؛ آنان نه مردد می‌شوند و نه گام پس می‌-

گذارند . انقلابیون راستین برای مصالح حزب و انقلاب و طبقه و ملت و نوع بشر هیچگاه در فدا کردن منافع خاص خود تردید نمی کنند، و اگر لازم باشد، حتی جان خود را ایثار می کنند . این بیانی بس روشن و جامع از اخلاق انقلابی است .

در حزب ما، رفقا تران فیو، نگوجیا تو، لی هونتک فونک، نگوئین وان کیو، هوانک وان تیو، نگوئین مینه و بسا اشخاص دیگر زندگانی خود را به پای خلق و حزب نثار کردند و بدین سان نمونه های تابناکی از دل بستگی فداکارانه به منافع عامه و از خود گذشتگی کامل عیار را برپا داشتند .

اشخاص آراسته به فضایل انقلابی، ساده و فروتن باقی می مانند و همیشه آماده اند با مشقات فزون تری روبرو شوند، حتی در وقتی که با شرایط دلخواه و کسب پیروزی ها مواجه می گردند . «پیش از دیگران در غم کارند و بعد از آنان در اندیشه تمتع .» ما باید در فکراین باشیم که چگونه به نحو احسن وظیفه خود را انجام دهیم، نه این که چسان بزرگترین پاداش را به دست آوریم . ما باید از لاف زدن درباره دست آوردهای گذشته و ادعای امتیازات خاص یا تن سپردن به بوروکراسیسم و تکبر و تباهی اجتناب ورزیم . این نیز بیانی از اخلاق انقلابی است .

به اختصار، اخلاق انقلابی مشتمل بر نکاتی به شرح زیر است:
اختصاص دادن زندگی خود در مبارزه برای حزب و انقلاب. این ضروری ترین نکته است .

سخت کاری برای حزب، رعایت انضباط حزبی و انجام طرح

و خط مشی‌های حزبی .

مقدم‌شمردن منافع حزب و زحمتکشان بر منافع شخصی خود .
خدمت به خلق از جان و دل . مبارزه از خود گذشته برای حزب و مردم و
نمونه بودن در هر موردی .

جد و جهد در مطالعه مارکسیسم - لنینیسم و به‌طور پیوسته بهره‌-
گیری از انتقاد و انتقاد از خود برای اعتلای معیار ایده‌تئورژی و بهبودی
کار خود و ترقی و بالندگی با رفقای خویش .

هر انقلابی باید عمیقاً در یابد که حزب ما پیشروترین و به‌هم
پیوسته‌ترین سازمان طبقه کارگر و رهبر این طبقه و به‌طور کلی رهبر
زحمتکشان محسوب می‌شود . هم‌اکنون، طبقه کارگر ما، هر چند هنوز
شمارشان چندان زیاد نیست، با گذشت هر روز بسط و تکامل می‌یابد .
در آینده، کوپراتیوها (تعاونی‌های) کشاورزی در همه نقاط سازمان
می‌یابند، از ماشین‌ها به‌طور وسیع در روستاها استفاده می‌شود و دهقانان
کار گرمی شوند . روشنفکران با کاریدی به نحو احسن آشنا می‌گردند و
تفاوت کارگران فکری و یدی به تدریج از میانه برمی‌خیزد . صنعت
میهن ما روز به روز پیشرفت می‌کند . از همین روی، شمار کارگران پیش
از پیش افزایش می‌یابد و قدرتشان رشد می‌کند و در آینده طبقه کارگر
طبقه بزرگ و افتخار آفرینی می‌شود . این طبقه، جهان و نیز خود را
اصلاح می‌کند .

فرد انقلابی باید به‌روشنی این امر را درک کند و برای مبارزه
صمیمانه به خاطر سوسیالیسم و کمونیسم و طبقه کارگر و تمام زحمتکشان
به استواری به پایگاه طبقه کارگر بچسبد . اخلاق انقلابی عبارت است
از وفاداری مطلق به حزب و خلق .

حزب ما هیچ منافع دیگری را مگر منافع طبقه کارگرو زحمتکشانشان مطمع نظر قرار نمی‌دهد. بنا بر این، هدف بلا فصل حزب مبارزه برای بنای تدریجی سوسیالیسم در شمال و تجدید وحدت کشور است.

خلق ما تحت رهبری حزب قهرمانانه پیکار کرده است و سلطه استعماری و فتودالی را برانداخته و شمال میهن‌مان را سر به سر آزاد کرده است. این توفیقی عظیم بود. اما انقلاب هنوز یکسره ظرف نمونه نشده است، و هدف کنونی حزب، مبارزه برای وحدت مجدد ملی است تا ویتنامی صلح‌جوی، یک‌پارچه، مستقل، دموکراتیک و کامکار بنا کند و استثمار فرد از فرد را در سراسر کشور از میانه براندازد و جامعه نوینی با سعادت و وفور برای همگان بنا کند.

با این حال، صنایع ما هنوز عقب مانده است. به‌یمن کومک‌های بی‌دریغ کشورهای برادر، پیش از همه اتحاد شوروی و چین، صنایع رشد می‌یابد. کارگران ما، در تلاش خویش برای موفقیت، باید با یکدیگر هم‌چشمی کنند و کوشش و رزند که بیش از پیش و سریع‌تر و بهتر و از لحاظ اقتصادی با صرفه‌تر تولید کنند، انضباط کاری را رعایت نمایند و در مدیریت اقدامات مهم خود فعالانه شرکت بجویند؛ ما باید در مقابل اسراف و حیف و میل ایستادگی کنیم و کادرهای ما باید فی الواقع ساعی، صرفه‌جو، صادق و راست‌کردار باشند و در کار به کارگران ملحق شوند. زمین به‌روستائیان ما تخصیص یافته و زندگی آنان تا اندازه‌ی بهتر شده است. لکن وجه تولید هنوز پراکنده و پست افتاده است؛ از همین روی محصولات هنوز چندان افزایش نیافته و شرایط زندگی اندک بهبودی یافته است. جنبش برپا کردن تیم‌های مبادله کار و کوپراتیوها در روستاهای ما باید به‌وسعت و استواری به‌جلو سوق داده شوند تا

افزایش ثابتي در توليد پديد آيد؛ و تنها در اين صورت دهقانان مامي توانند از فقر برهند و به رأی العين ببينند که شرايط زندگيشان بهبود يافته است. بنا بر اين ، اخلاق انقلابي بر تلاش فراوان براي رسيدن به - هدف حزب و خدمتگزاري فداکارانه به طبقه کارگرو زحمتکشان و عدم تزلزل هميشگي استوار است .

اکثر اعضای حزب و اتحاديه جوانان کارگر و بيشرکارها از چنين خطي پيروي کرده اند، اما برخي نکرده اند . آنان به خطا چنين مي پندارند که حالا که استعمارگران و هواداران فئودالها در شمال کلکشان کنده شده، انقلاب با موفقيت پياده شده است، به همين علت آنها مي- گذارند فرد گرایی در درونشان پروپا بگيرد و طالب تمتع و استراحت مي شوند و ميل دارند انتخاب کار به عهده خودشان باشد، به عوض اين که وظايفي را که از جانب سازمانشان به آنها محول شده انجام دهند. اينان خواستار مناصب عالي اند اما از مسئوليت ها طفره مي زنند . رزمندگي و کار - مایه آنان رفته رفته کاستي مي گيرد و بر همين روال شجاعت انقلابي و فضاييل اصليشان - اينان از ياد مي برند که ملاک عمده يك انقلابي عزم قاطع او است براي مبارزه در تمام طول زندگيش براي حزب و انقلاب .

ما بايد درك كنيم که موفقيت هايي که تا کنون حاصل کرده ايم تنها گام هاي اوليه يي است در جاده يي هزار فرسنگي . ما بايد فراطرپيش رويم، انقلاب بايد گسترده تر بالنده شود. گرنه، واگشت خواهيم کرد و توفيق - هايي که به دست آورده ايم نمي تواند به هم پيوسته و بسط يابنده باشد.

براي پيشروي به سوي سوسياليسم بايد مبارزه يي دراز آهنگ و سخت را پي بگيريم ما بايد اشخاص انقلابي داشته باشيم، چرا که

هنوز دشمنان کمین کرده‌اند و اینان با انقلاب سرمخالفت دارند.

سه نوع دشمن وجود دارد :

سرمایه‌داران و امپریالیسم دشمنان بس خطرناکی هستند.

نیز عادات و سنت‌های عقب مانده خصمان کبیری محسوب می‌شوند:

این گونه عادات و سنت‌ها موزیانه از ترقی انقلاب جلو می‌گیرند. با این حال، ما می‌توانیم آنها را فرو نشانیم، اما باید سعی ورزیم این عادات و سنن را با احتیاط و استقامت و در دوره‌ی دراز مدت اصلاح کنیم.

سومین خصم، فردگرایی است، یعنی ذهنیت خرده بورژوازی که هنوز در هر یک از ما دزدکی کمین کرده و منتظر مجالی است - خواه مجال شکست یا موفقیت - تا سرکی بالا کشد. فردگرایی یارو یار دو مقوله پیش گفته به حساب می‌آید.

بنا بر این اخلاق انقلابی، در هر وضعیتی، مبتنی است بر مبارزه قاطعانه علیه تمام دشمنان، حفظ هوشیاری خود، آمادگی برای جنگیدن و اجتناب از تسلیم و سرفروود آوردن. تنها به اتکای انجام این اصول ما می‌توانیم خصم را شکست دهیم و به وظایف انقلابی خود جامه عمل بپوشیم.

حزب ما به واسطه خط‌مشی درست و رهبری یک پارچه اش می‌تواند طبقه کارگرو تمام خلق را به سوی سوسیالیسم رهبری کند. این رهبری یک پارچه از وحدت فکر و عمل تمام اعضای حزب برمی‌جوشد. بدون این وحدت ما به ارکستری می‌مانیم « که در آن طبل‌ها یک جور نغمه سازی کنند و کرناها در دستگاهی دگر می‌زنند. » برای ما امکان ندارد که این چنین توده‌ها را رهبری و انقلاب را ساز کنیم.

گفتار و کردار اعضای حزب تأثیر عظیمی بر انقلاب می‌نهد زیرا

آنها نفوذ عظیمی بر توده‌ها دارند. بر وجه مثال: خط مشی کنونی حزب و حکومت ما این است که به‌طور همه جانبه و از نزدیک تیم‌های مبادله کار و گویراتیوها را سازمان دهد، تا تشریک مساعی کشاورزی انجام پذیرد. لکن شماری از اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر به آنها ملحق نشده‌اند، اگر به آنها پیوسته باشند، در ساختن و یک پارچگی شان فعالانه شرکت نمی‌کنند. این همانا فردگرایی است که آن دسته از رفقا را به انجام آنچه دلشان می‌خواهد و به حرکت در جهت مخالف سازمان و انضباط حزبی واداشته است. اعمال آنان، عمدتاً یا سهواً، به حیثیت و اعتبار حزب لطمه می‌زند و از کار آن جلومی‌گیرد و پیشروی انقلاب را مانع می‌شود.

تمام خط‌مشی‌ها و قطعنامه‌های حزب خدمتگزاری به منافع خلق را وجهه نظر قرار می‌دهد. بنا بر این، برای یک عضو حزب، اخلاق انقلابی مبتنی است بر انجام قاطعانه آن خط‌مشی‌ها و قطعنامه‌ها، قطع نظر از هر مشکلی، و نیز عضو حزب باید برای توده‌ها سرمشق و نمونه باشد. هر عضو حزب باید احساس مسئولیت خود را در قبال خلق و حزب اعتلاء بخشد. او باید در قبال فردگرایی موضع بگیرد و قاطعانه با آن بستیزد.

حزب ما نمایانگر منافع مشترک طبقه کارگر و تمام زحمتکشان است و نه معرف منافع خصوصی هر گروه یا فردی. این راه می‌دانند. مبارزه طبقه کارگر نه تنها در جهت آزادی خویش، بل برای آزاد ساختن نوع بشر از استمگاری و استثمار صورت می‌گیرد. بنا بر این منافع آنان و منافع خلق‌ها هر دو یکی است.

عضو حزب، به نام حزب، مصالح و منافع طبقه کارگر و زحمتکشان

را بیان می کند . از همین روی منافع خود او در درون حزب قرار دارد و نه خارج از آن، یعنی در درون منافع حزب و طبقه . توفیق و پیروزی حزب و طبقه یعنی توفیق و پیروزی مبارزان . فرد جدا از حزب و طبقه گیرم هر قدر با استعداد، به هیچ چیز دست نخواهد یافت .

اخلاق انقلابی، برای یک عضو حزب، بر پایه قرارداد منافع حزب بالا پر از هر چیز دیگری، در تمام اوضاع و احوال منکی است . اگر منافع حزب با منافع فرد در تناقض باشد، این یکی باید مطلقاً به نفع آن دیگری کنار برود .

برخی اعضای حزب به جهت این که اخلاق خود را از فرد - گرایی نپالوده اند هنوز از « خدماتشان به حزب » لاف می زنند و مدعی « قدردانی » از حزب نیز هستند . آنان میل دارند از عنایت، عزت، رتبه و مزیت برخوردار شوند . اگر امیال اینان ارضاء نشود در برابر حزب متغیر می شوند و شکوه سرمایه می دهند که « آینده بی » ندارند و « قربانی » شده اند . رفته رفته از حزب کنار می کشند؛ و بدتر این که در خط مشی ها و انضباط حزبی خرابکاری می کنند .

بسا کادرها و رزمندگان در دوره مبارزه زیرزمینی و نبرد مقاومت قهرمانانه زندگی خویش را باختند، بسا قهرمانان کار و کارگران نخبه منتهای کوشش خود را برای افزایش تولید به عمل آوردند . این رقبا هرگز خواستار رتبه و مقام نشده اند، هیچگاه قدردانی حزب را طالب نبوده اند . حزب ما خصلتی توده بی دارد و صدها هزار تن عضو . با تأکید بر این که نخیل اعضای حزب از خرده بورژوازی منشأ دارند . در این امر جای هیچ گونه تعجیبی نیست . در بدو کار پایگاه برخی از اعضای حزب ، تحت نفوذ ایده ثولوژی بورژوازی شاید ثباتی نداشته باشد و

پیش آنان ممکن است آشفته باشد و تفکرشان کاملاً درست نباشد، لکن نظر به این واقعیت که آنان در دوران انقلاب و نبرد مقاومت سردی و گرمی چشیده‌اند، پس می‌توان گفت که اعضای حزب ما با توجه به همهٔ جهات، مبارزان شایسته‌یی هستند و به حزب و انقلاب وفادارند .
هستند رفقای که می‌دانند این دسته از اعضا مرتکب خطا می‌شوند و توده‌ها را به خطا کاری سوق می‌دهند؛ بنا بر این، آنان آماده‌اند که هر اشتباهی را که دیگران مرتکب می‌شوند تصحیح کنند و آن‌هم با روشی به موقع و هم ایشان نمی‌گذارند که خطاهای کوچک در قالب خطاهای بزرگ انباشته شود . این رفقا صمیمانه به امر انتقاد از خود و انتقاد جامعه عمل می‌پوشند و کار را برای رفقای خطا کار ممکن می‌سازند که باید پایه‌های یک دیگر ترقی کنند .

این امر با اخلاق انقلابی وفاق دارد . حزب ما، در درازی سال‌های متمادی فعالیت زیرزمینی خود، هر چند به وسیلهٔ استعمارگران با خشونت سرکوب شد و با بسی مشکلات و خطرات روبرو گردید، اما با گذشت هر روز توانا تر شد و بالندگی یافت و سپس انقلاب و جنگ مقاومت را تا پیروزی رهبری کرد . این مهم همواره با استفادهٔ مؤثر حزب از این سلاح کاری حاصل می‌آید : از انتقاد از خود و انتقاد .
معهدا، هنوز برخی از اعضای حزب باقی مانده‌اند که نمی‌توانند فرد گرایی را از صافی وجود خود دفع کنند، پس متکبر و خودبین می‌شوند و به خیال خود شایستگی‌هایشان را جلوه گر می‌سازند . در حالی که از دیگران خرده می‌گیرند، مایل ندارند که از خودشان خرده گرفته شود؛ اینان از انتقاد از خود یا از به کار بستن آن بی‌کمترین صمیمیت و جدیتی پرهیز می‌کنند. آنان از این بیم دارند که احتمال آبرو و اعتبار خود

را از دست بدهند .

هم اینان به افکار و عقاید توده‌ها توجهی مبذول نمی‌دارند و برای کادرهای غیر حزبی اهمیتی قایل نمی‌شوند . اینان درک نمی‌کنند که مرتکب نشدن اشتباه در کارشان، امر مشکلی نیست . ما از اشتباهات احتمالی ترسی نداریم بل از ناکامی در تصحیح قاطعانه آنها بیم داریم . برای جبران اشتباهات ما باید به انتقاد توده‌ها گوش فرا دهیم و انتقاد از خود را صمیمانه به کار بندیم . گرنه عقب می‌مانیم و واگشت می‌زنیم و نتیجه آن می‌شود که توسط توده‌ها کنار گذاشته می‌شویم . این نتیجه اجتناب‌ناپذیر فردگرایی است .

نیروهای طبقه کارگرو زحمتکشان سترگه و بی‌کرانند . اما آنان اگر قرار است پیروزشوند، باید توسط حزب رهبری شوند . در عین حال، اگر بنا است که انقلاب پیروزشود، حزب باید متصل به توده‌ها باشد و با تبحر آنان را سازمان‌دهی و رهبری کند .

اخلاق انقلابی بروحدت یافتن با توده‌ها در یک پیکرو اعتماد کردن به آنان وتوجه نمودن به عقایدشان اتکاء دارد . اعضای حزب و جوانان کارگرو کادرها، به وساطت گفتارها و کردارهای خود، اعتماد، احترام و محبت خلق را جلب می‌کنند و آنانرا از نزدیک در پیرامن حزب متحد می‌نمایند و مردم را چنان سازمان می‌دهند و تربیت می‌کنند و بسبب می‌نمایند که با شور و حرارت خط‌مشی‌ها و قطعنامه‌های حزب را انجام دهند .

این کاری است که ما طی انقلاب و جنگ مقاومت انجام دادیم .

اما اکنون، فردگرایی، وجود شماری از رفقای ما را تاختگاه خود قراردادده است. این رفقا با این ادعا که از هر چیز سر در می آورند از راه توده‌ها گمراه می‌شوند و از یاد گرفتن از آنان طفره می‌روند و فقط میل دارند آموزگار توده‌ها باشند. اینان از قبول مسئولیت در سازمان‌دهی و آوازه‌گری و کار آموزشی در میان توده‌ها اکراه دارند. آنان به - بوروکراتیسم و امر ونهی‌گرایی (Commandism) آلوده می‌شوند. در نتیجه، توده‌ها نه به اینان اعتماد می‌کنند نه عزیزشان می‌دارند و نه چندان عشقی نثارشان می‌نمایند. عاقبت نیز هیچ عمل پسندیده‌ی نمی‌توانند انجام دهند.

* * *

شمال کشور ما به سوی سوسیالیسم پیش می‌رود. این اشتیاق مبرم میلیون‌ها تن زحمتکش و نیز تعهد جمعی توده‌های رنجبر تحت رهبری حزب به‌شمار می‌آورد. فردگرایی مانع بزرگ در بنای سوسیالیسم محسوب می‌شود. بنا بر این، پیروزی سوسیالیسم نمی‌تواند از پیروزی مبارزه برای امحای فردگرایی جدا باشد. مبارزه علیه فردگرایی « پایمال کردن منافع فردی » نیست. هر فردی خصالت، هنرها و زندگی خصوصی خاص خود و خانواده‌اش را دارد. وقتی منافع فردی در جهت مخالف منافع جمعی حرکت نکند زیانی به بار نمی‌آید؛ لکن ما باید بدانیم که هر فرد تنها در لوای رژیم سوسیالیسم می‌تواند زندگی خصوصی و رشد شخصیت خود و هنرهایش را اصلاح و بهبود بخشد.

هیچ نظامی در اثبات رعایت حال انسان و توجه به منافع برحق

او تأمین وسیله اجابت آنها با نظام‌های سوسیالیسم و کمونیسم برابر و قابل مقایسه نیست. در جامعه‌یی که طبقه استثمارکننده بر آن حکم می‌راند تنها منافع مشتی اشخاص وابسته به این طبقه بر آورده می‌شود، حال آن که منافع توده‌های رنجبر پایمال می‌گردد، اما در نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی، که در آنها زحمتکشان اربابند، هر فرد جزئی از جمع است و نقش معینی در جامعه ایفاء می‌کند و سهم خود را به جامعه ادا می‌نماید. به همین علت است که منافع فردی در درون منافع جمعی قرار می‌گیرد و بخشی از آن می‌شود. وقتی منافع جمعی تأمین شود، منافع فردی ادا می‌گردد.

انقلاب بی‌وقفه ترقی می‌کند. بر همین سیاق حزب. و بر این منوال انقلابیون باید بالنده شوند.

جنبش انقلابی صدها میلیون تن را در بر می‌گیرد. کار انقلابی صدها وظیفه‌یی نهایت پیچیده و مشکل را فرا می‌گیرد. برای آن که ما بتوانیم تمام موقعیت‌های پیچیده را ارزیابی کنیم و به روشنی تناقضات را ببینیم و به درستی مسایل گونه‌گون را حل کنیم، باید در جهت مطالعه مارکسیسم - لنینیسم اهتمام ورزیم.

تنها به اتکای انجام این مهم ما می‌توانیم اخلاق انقلابی خود را قوام بخشیم و به استواری پایگاه خود را حفظ کنیم و سطح تئوریک و سیاسی خود را اعتلاء دهیم و وظایفی را که از طرف حزب به ما محول می‌شود به تمام عملی سازیم.

مطالعه مارکسیسم - لنینیسم یعنی فرا گرفتن روحی که به وساطت آن شخص باید با اشیاء و با دیگر اشخاص و با خودش مواجه شود. این بدان معنا است که حقایق کلی مارکسیست - لنینیستی را مطالعه کنیم

تا آنها را به طور خلاق با شرایط عملی میهن خود منطبق سازیم . ما باید با دید عملی به مطالعه پردازیم . تئوری باید دست به دست عمل حرکت کند .

ولیکن بعضی رفقا شماری چند از کتاب های مربوط به مارکسیسم لنینیسم را از بر می کنند . اینان می انگارند مارکسیسم - لنینیسم را بهتر از هر شخصی می فهمند . حال آن که ، وقتی با مسایل عملی روبرو می شوند ، یا به روشی مکانیکی عمل می کنند یا در مغاک پریشانی فرو می افتند . کردارشان با گفتارشان جوردر نمی آید . اینان کتب مربوط به مسایل مارکسیسم - لنینیسم را می خوانند اما در طلب کسب روح مارکسیست - لنینیستی بر نمی آیند . این دسته از رفقا تنها میل دارند معرفت و شناخت خود را متظاهر سازند در حالی که آنرا با عمل انقلابی منطبق نمی کنند . این نیز در فردگرایی ریشه دارد .

فردگرایی تخم صدها مرض خطرناک را بیرون می پاشد: بوروکراتیسم (قرطاس بازی) امرونی گرای، فرقه گرای، ذهن گرای، فساد، اسراف... فردگرایی دست و پا و چشمان قربانیانش را می بندد، قربانیانی که هر عملشان به اتکای امیالشان برای کسب افتخار و مقام انگیخته می شود، نه به وساطت دلبستگی شان به منافع طبقه و خلق .

فردگرایی دشمن غدار سوسیالیسم به شمار می رود . انقلابیون باید از آن حذر کنند .

اکنون، وظیفه حزب و خلق ما این است که برای افزایش تولید و عملی ساختن صرفه جویی جد و جهد کنند تا شمال بنا شود و به تدریج نظام سوسیالیسم در آن پا بگیرد و پایگاهی مستحکم برای تجدید وحدت میهن شود . این وظیفه، وظیفه بی نهایت افتخار آفرینی است . بگذار

تمام اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر و تمام کادرهای درونی و بیرونی حزب عزم جزم کنند که تمام زندگی خود را در خدمت به حزب و خلق اختصاص دهند . این هنر و فضیلت اصیل انقلابی است، این است اخلاق انقلابی و روحیه حزب و طبقه که پیروزی را برای حزب و طبقه و خلق تأمین می کند .

اخلاق انقلابی از آسمان هبوط نمی کند . اخلاق انقلابی از طریق مبارزه و تلاش مستمر روزانه کمال و قوام می یابد . اخلاق انقلابی همچون سنگ یشم هر قدر بیشتر صیقل یابد درخشانتر می شود . اخلاق انقلابی، به سان طلا، چون در بوته رود ناب ترمی گردد .

چه چیزی می تواند عظیم تر از پرورش اخلاق انقلابی فرد، منبع سعادت و افتخار باشد تا وسیله گران سنگی برای بنای سوسیالیسم و رهایی نوع بشر فراهم کند !

من رجاء واثق دارم که تمام اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر و همه کادرهای داخل و خارج حزب سخت تلاش خواهند ورزید و بالنده خواهند شد .

وصیت نامه

اگرچه مبارزهٔ خلق ما علیه تجاوز امریکا، برای رهایی ملی، ناگزیر ممکن است مشقات و تلفات افزون تری به بار آورد، ما موظفیم پیروزی کامل را بدست آوریم .
این امری مسلم است .

من قصد دارم، وقتی پیروز شدیم، به جنوب و شمال سفر کنم و به هم میهنان و کادرها و رزمندگان قهرمانانمان تهنیت بگویم، و از سالداران

و جوانان و خردسالان محبوب مان دیدن کنم .

آنگاه، از طرف خلق مان، به کشورهای برادرار دو گاه سوسیالیست و سرزمین های دوست در سرتاسر جهان خواهم رفت و از آنها به پاس حمایت صمیمانه و مساعدتشان به مبارزه میهن پرستانه خلق مان علیه تجاوز ایالات متحد سپاسگزاری می کنم .

تیوفیو (Tu Fu) ، شاعر نامبردار دربار تانگ (Tang) در چین ، سرود : « اندک شمارند آنان که به هفتاد سالگی می رسند . » من امسال، در سن هفتاد و نه سالگی، می توانم خود را در میان آن « اندک شماران » به حساب آورم؛ و هنوز، ذهنم کاملا سالم باقی مانده، هر چند سلامیتم در مقایسه با چند سال اخیر تا اندازه بی نقصان گرفته است . وقتی شخصی بیش از هفتاد بهار را دیده باشد، دیگر با بالارفتن سن سلامتیست کاستی می گیرد . جای هیچ تعجبی نیست .

لکن چه کسی می تواند بگوید تا چه مدت دیگر من قادر خواهم بود به انقلاب و میهن و به خلق خدمت کنم ؟

بنا بر این ، این چند سطر را در پیش بینی روزی که رخت خواهم بست و به کارل مارکس، لنین و دیگر بزرگان انقلابی خواهم پیوست بر جای می گذارم؛ تا بدین سان خلق مان در سراسر میهن و رفقای مان در حزب و دوستان مان در جهان به شگفتی دچار نیایند .

نخست در باره حزب : حزب ما، به یمن وحدت یک پارچه و دل بستگی فداکارانه خود به طبقه کارگر و خلق و میهن ، از زمان بنیانش ، توانسته

است خلق‌مان را در مبارزه‌ی قاطع از يك پیروزی به پیروزی دیگر سازمان دهد و رهبری کند .

وحدت سنت بی‌نهایت گران سنگ حزب و خلق ما بوده است. تمام رفقا، از کمیته مرکزی تا سلول، باید وحدت و واحدیت فکر در حزب را همچون مردمک دیده محافظت کنند .

در چهار چوب حزب، استقرار دموکراسی همه جانبه و دنبال گرفتن انتقاد از خود و انتقاد به طور منظم و جدی بهترین روش يك پارچه کردن و بسط دادن همبستگی و وحدت می باشد . مهر و عاطفه رفیقانه باید متداول شود .

حزب ما حزبی است در اریکه قدرت . هر يك از اعضای حزب و هر کادر باید عمیقاً از اخلاق انقلابی ملهم شوند، و باید سخت کوشی، صرفه جویی، یگانگی، دوستی، دلبستگی کامل عیار به مصالح عامه و از خود گذشتگی تام و تمام را نشان دهند. حزب ما باید پاکی و خلوص کامل را حفظ کند و ارزش نقش خود را در مقام رهبر و خدمتگزار بسیار صادق خلق اثبات نماید .

اعضای اتحادیه جوانان کارگر و جوانان ما به طور کلی نکویند؛ آنان همیشه، بی پروا از بار مشکلات آماده خدمت اند و مشتاق پیشرفت و ترقی. حزب باید فضایل انقلابی ایشان را پرورد و آنان را، «سرخ» و «خبره» -، برای جانشینی ما در بنای سوسیالیسم، تربیت کند .

تربیت و آموزش نسل های انقلابی آینده نهایت اهمیت و ضرورت را دارد .

زحمتکشان ما، در جلگه ها و نیز در کوهستان ها، نسل اندر نسل بار توان فرسای مشقات و ستم فئودالی و استعماری و استثمار را تاب

آورده‌اند و افزون بر این محنت‌های سال‌های متمادی جنگ را تحمل کرده‌اند .

معهدا، خلق ما، قهرمانی، دلاوری، شور و حمیت و تلاش و کوشش فراوانی نشان داده‌است. آنان از وقتی حزب پا به عرصه گذاشت همیشه با صداقت بی کران از آن متابعت کرده‌اند .

حزب باید برنامه‌های مؤثری برای پیشرفت اقتصادی و فرهنگی طرح کند چندان که مانند همیشه زندگی خلق مان را بهبود بخشد.

نبرد مقاومت علیه ایالات متحد ممکن است ادامه یابد . خلق ما یحتمل ناگزیر است با تلفات جانی و مالی تازه‌یی روبرو شود. هرچه که پیش آید، ما باید ثبات عزم خود را در پیکار با تجاوزکاران ایالات متحد تا پیروزی کامل حفظ کنیم .

کوه‌های مان همیشه برپا خواهد بود، رودهای مان همیشه جاری خواهد بود،

خلق مان همیشه باقی خواهد ماند،

شکست از آن مهاجمان آمریکایی است، ما سرزمین مان را از نو، ده‌ها بار زیباتر بنا خواهیم کرد .

هر اندازه مشکلات و مشقات در پیش روی باشد اهمیتی ندارد، خلق ما از پیروزی کامل مطمئن است . امپریالیست‌های ایالات متحد مسلماً مجبور به ترك این سرزمین می‌شوند . میهن ما یقیناً از نو یک پارچه می‌گردد . هم‌میهنان ما در جنوب و شمال به تأکید مسلم در زیر یک بام دوباره به هم می‌پیوندند . ما، ملتی کوچک به اتکای مبارزه قهرمانانه، افتخار قابل ملاحظه‌ی هزیمت دو امپریالیسم بزرگ - فرانسوی و امریکایی - را به دست خواهیم آورد و سهم مشترك گرانقدری را به جنبش

رهایی بخش ملی سراسر گیتی ادا خواهیم نمود .

درباره جنبش جهانی کمونیستی : من به عنوان مردی که تمام زندگیش را به پای انقلاب نثار کرده است ، هر قدر که از رشد انتر-ناسیونال کمونیستی و جنبش کارگران احساس غرور می کنم ، همان قدر از ناسازگاری جاری در میان احزاب برادر در می کشم .
امیدوارم حزب ما به نحو احسن و مسایل مؤثری برای اعاده وحدت در میان احزاب برادر بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری فراهم کند ، به طریقی که با خرد و احساس انطباق یابد .
من کاملاً مطمئنم که احزاب و کشورهای برادر از نو ناگزیر وحدت خواهند یافت .

درباب امور شخصی : من در تمام زندگیم به میهن و انقلاب و خلق با تمام دل و نیرویم خدمت کرده ام . اگر هم اکنون ناگزیر از ترك این جهان شوم ، هیچ چیز مایه تأسفم نخواهد شد ، الا این که قادر نیستم طولانی تر و بیشتر خدمتی انجام دهم .
وقتی سر بر زمین گذاشتم ، از تشییع جنازه با شکوه باید پرهیز شود تا مبادا وقت و پول خلق هدر رود .

در آخر ، برای همه خلق و تمام حزب و تمام آرتش و برای برادر زاده ها و خواهرزاده ها و جوانان و خردسالان ، عشق بی پایانم را باقی می گذارم .
نیز دروذهای صمیمانه ام را به رفقا و دوستان مان و به جوانان و

کودکان سرتاسر جهان ابلاغ می‌کنم .

نهایت آرزوی من این است که حزب و خلق ما به‌تمامه بایک پارچه
کردن اقدامات خود، ویتنامی صلح‌جو، یک پارچه، مستقل، دموکراتیک
و کامیاب‌رنا کنند و سهم مشترک شایسته‌ی در انقلاب جهانی داشته باشند.

هانوی، ۱۰ مه، ۱۹۶۹

هوچی مین

@W_I_Lenin